نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال بیستم- شماره ۸۵۵ یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۶- ۸ صفحه - ۱۰۰۰ تومان



مدیر کل تامین اجتماعی استان بوشهر:

۸۰ درصد جمعیت استان بوشهر تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی هستند

صفحه ۲

مشارکت شهروندان در قالب اجتماعات محله ای برای مواجهه با پیامدهای حوادث طبیعی

فرخ روزبهی

صفحه۳

افتتاح و اجراء ۷۰۰ میلیارد تومان پروژه در استان بوشهر

صفحه ۸





"زنده یاد نامی" که باعث روشنی بخش زندگی شد

رضا سیاهوشی

صفحه ۴

۵

امیرحسین کازرونی از نفرات برتر کنکور ۹۶ استان بوشهر:

بهترین رقیب برای پیشرفت درسی هر کس، خود اوست

۵

زلزله "زیباکلام" بر جان مسؤولان؛

چرا از "دهکده امید" می ترسند؟!

۸

تالاب جنگل حرا نایبند در معرض تخریب

ناصر بوهندی

۸

این مادر چه می کشد!

ذهن ها از شکم ها گرسنه ترند

پرستا حیدری

نسیم جنوب ۲
خبر
شماره ۸۵۵ یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

استاندار بوشهر:

پروژه‌های ناقص را افتتاح نمی‌کنیم



استاندار بوشهر با تاکید بر لزوم امیدآفرینی در سطح جامعه گفت: تاکید ما بر این است که تا پروژه ای ۱۰۰ درصد کامل نشده آن را افتتاح نکنیم.
به گزارش خبرنگار مهر، عبدالکریم گراوند در حاشیه برنامه‌های دهه فجر در جمع خبرنگاران با تبریک سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و تسلیت ایام فاطمیه، انقلاب اسلامی را نقطه عطفی در تاریخ معاصر دانست.
وی بر لزوم تقویت همدلی و وحدت ملی برای حفظ دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی تاکید کرد و دستاوردهای نظام اسلامی را علی‌رغم ترفندهای مختلف دشمنان چشمگیر خواند و گفت: این نظام با ایثار و از جان‌گذشتگی و هزینه‌های زیاد به دست آمده است و لذا باید همه ما قدر این نعمت را بدانیم.
استاندار بوشهر، امیدآفرینی و تلاش در راستای رضایت مردم را وظیفه همه متولیان دانست و بیان داشت: محصول بذرهای یاس و نا امیدی را دشمنان مردم ایران درو خواهند کرد.
وی تصریح کرد: ما نباید به جای امیدآفرینی، تخم یاس بپاشیم زیرا محصول بذرهای یاس و نا امیدی را دشمنان مردم ایران درو خواهند کرد.
گراوند با اشاره به کارهای بزرگ دولت تدبیر و امید در ابعاد مختلف، یادآور شد: باید با تمام ابزارهای موجود در راستای خدمت به مردم و رضایت عمومی تلاش کنیم و همه دستگاه‌ها تسهیل‌گر کار مردم به ویژه سرمایه‌گذاران و کارآفرینان باشند.
وی با تاکید بر نقش انسجام ملی و وحدت در امنیت کشور، گفت: نباید اجازه دهیم به وحدت و همدلی جامعه خدشه‌ای وارد شود.
استاندار بوشهر، بهره‌برداری از ۳۰۵ پروژه عمرانی در دهه فجر را هدیه نظام اسلامی و دولت تدبیر و امید به مردم استان بوشهر خواند و افزود: چند پروژه شاخص نیز با اعتبار پنج هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان تا پایان سال و با حضور مقامات کشوری به بهره برداری می‌رسد.
وی با بیان اینکه دنبال افتتاح پروژه‌های کامل‌شده هستیم، تصریح کرد: تاکید ما بر این است که تا پروژه ای ۱۰۰ درصد کامل نشده آن را افتتاح نکنیم.
گراوند، رویکرد مدیریت عالی استان را تلاش در راستای تحقق شعار اقتصاد مقاومتی دانست و از همه متولیان خواست شرایط را برای تحقق هر چه بیشتر طرح های اقتصاد مقاومتی هموار کنند.

مدیرکل بهزیستی بوشهر خبر داد

افتتاح و تحویل ۵۰ واحد مسکن مددجویان بهزیستی استان بوشهر



مدیرکل بهزیستی استان بوشهر از افتتاح و تحویل ۵۰ واحد مسکن مددجویان بهزیستی استان بوشهر در دهه مبارک فجر خبر داد.
به گزارش خبرنگار مهر، علی پولادی ریشهری در گفت‌وگو با خبرنگار مهر اظهار داشت: مسکن به عنوان یکی از مهمترین دغدغه‌های مددجویان بهزیستی محسوب می‌شود و تلاش داریم تا زمینه رفع این مشکل فراهم شود.
وی خاطرنشان کرد: در راستای رفع مشکل مددجویان بهزیستی استان بوشهر ۵۰ واحد مسکن مددجویان و معلولین ساخته می‌شود که بخشی از این واحدها در دهه مبارک فجر تحویل این افراد می‌شود.
پولادی ریشهری بیان کرد: از این واحدها ۴۱ واحد در شهرستان دشتستان، یک واحد در شهرستان تنگستان، سه واحد در شهرستان بوشهر، یک واحد در شهرستان تنگستان، یک واحد در شهرستان دشتی و سه واحد در شهرستان گناوه قرار دارند.
مدیرکل بهزیستی استان بوشهر ادامه داد: از دیگر برنامه‌های بهزیستی استان بوشهر در دهه مبارک فجر می‌توان به افتتاح مرکز سالمندان شهرستان کنگان و مرکز شبانه روزی پسران ۶ تا ۱۲ سال شهرستان بوشهر اشاره کرد.

بورس خلیج فارس در دانشگاه بوشهر تصویب شد



رئیس دانشگاه خلیج فارس بوشهر گفت: بورس خلیج فارس در این دانشگاه با هدف صیانت و پرآوازه کردن بیشتر این آبراه بین المللی طراحی و مصوب شد.
به گزارش ایرنا عبدالمجید مصلح در نشست خبری به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد تاسیس دانشگاه خلیج فارس بوشهر افزود: این بورسیه در زمان حاضر برای ۱۲ دانشجوی خارجی هدف گذاری شده که از مهر آینده جذب می شوند.
وی با بیان اینکه این دانشجویان با احراز شرایط علمی از هر نقطه جهان می توانند جذب شوند تصریح کرد: همچنین ایرانیانی که بیش از ۱۰ سال سابقه زندگی در کشور دیگری را دارند و تمایل به درس خواندن در ایران را داشته باشد می توانند از این بورس استفاده کنند.
وی امضای ۱۰ تفاهم نامه با دانشگاههای مختلف بین المللی را از جمله اقدام های مهم دانشگاه خلیج فارس در سالجاری عنوان کرد.
مصلح با اشاره به برگزاری دوره های مشترک بین المللی کوتاه مدت گفت: برای نخستین بار با حمایت سفارت جمهوری اسلامی ایران در گرجستان و سایر عوامل دیگر یک دوره ایران شناسی برای ۲۰ دانشجوی گرجستانی از ۲۷ بهمن طراحی شده است.
وی تاکید کرد: تلاش می شود دوره های ایرانگردی کوتاه مدت و بلندمدت برای دانشجویانی که در حوزه ایران شناسی، ادبیات فارسی و حوزه مطالعات ایران فعالیت می کنند توسعه داده شود.
رئیس دانشگاه خلیج فارس بوشهر اظهار کرد: دانشگاه خلیج فارس در زمان حاضر با دانشگاههای گرجستان، بصره، مسقط، آلمان ایتالیا، اتریش، کانادا و تکنولوژی بمبئی هند همکاری علمی دارد.
مصلح گفت: اعضای هیات علمی دانشگاه خلیج فارس در سال ۹۶، ۷۰ مقاله مشترک علمی با دانشمندان و اساتید سایر کشورها انجام داده اند.
وی یادآور شد: در زمان حاضر ۱۰دانشجوی بلندمدت خارجی از کشورهای عراق، افغانستان، تونس و یک مورد از اتریش که به صورت تز مشترک با این دانشگاه کار می کند در دانشگاه خلیج فارس حضور دارند.
وی با اشاره به برخی شاخص ها در دانشگاه خلیج فارس گفت: براساس تعداد دانشکده های تکمیل شده هر پنج سال یک دانشکده در دانشگاه خلیج فارس احداث شده است.
مصلح افزود: با توجه به اینکه هر سال ۳,۶ دهم رشته تحصیلی راه اندازی شده است در زمان حاضر ۹۱ رشته تحصیلی شامل ۲۹ رشته کارشناسی، ۴۹ رشته کارشناسی ارشد، ۱۲ رشته در مقطع دکترا و یک رشته کاردانی در دانشگاه خلیج فارس فعال است.
وی با اشاره به اینکه هر سال به طور میانگین اعضای هیأت علمی دانشگاه خلیج فارس ۱۰۸ مقاله ارایه کرده اند گفت: به طور متوسط هر سال با فرض ۲۳۳ نفر عضو هیأت علمی سالانه ۹,۳ نفر عضو هیأت علمی استخدام شده و هر سال ۱,۸ دهم نفر ارتقای مرتبه اعضای هیأت علمی داشته ایم.
مصلح اضافه کرد: هر سال ۲ هزار و ۲۸۸ مترمربع فضای آموزشی، ۳۷۲ مترمربع فضای پژوهشی، ۹۲ مترمربع فضای فرهنگی، یک هزار و ۱۱۶ مترمربع فضای خوابگاهی، یک هزار و ۱۴۴ مترمربع فضای اداری و پشتیبانی و ۱۰۴ مترمربع فضای ورزشی احداث شده است.
مصلح گفت: در مهر امسال ۲ هزار و ۱۷۵ نفر دانشجو در دانشگاه خلیج فارس پذیرش شدند و سر جمع دانشجویان این دانشگاه به هفت هزار و ۳۰۰ نفر می رسد.

مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر:

۸۰ درصد جمعیت استان بوشهر تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی هستند



مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر در نشست با خبرنگاران ضمن گرامیداشت سالروز پیروزی انقلاب اسلامی، اظهار داشت: سازمان تامین اجتماعی سه بخش کاملا مشخص در استان دارد که شامل بخش بیمه ای، بخش درمان و بخش سرمایه گذاری تامین اجتماعی می باشد. که بخش سرمایه گذاری شامل بانک رفاه و مجموعه سرمایه گذاری سازمان تامین اجتماعی را به خود اختصاص می دهد و به صورت متمرکز در ستاد سازمان مدیریت می شود. که بخشی از پتروشیمی ها و بخشی از سازه های گردشگری سرمایه داری کرده است و سهام دار آن می باشد.
به گزارش نسیم جنوب دکتر یونس خسروانی گفت: سازمان تامین اجتماعی در استان دارای ۱۵ شعبه اجرایی در شهرستان های استان می باشد که ۸۰ درصد جمعیت استان بوشهر را تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی قرار می دهد.
دکتر خسروانی هدف از برگزاری این نشست خبری را صحبت از فضای امیدآفرینی دانست و تصریح کرد: در سازمان تامین اجتماعی در ده ماهه گذشته ۴ میلیارد تومان فقط پاداش ازدواج پرداخت شده است و یکی از مبانی ساختاری سازمان تامین اجتماعی نرخ زاد و ولد است که مورد تاکید مقام معظم رهبری می باشد. چون جامعه و سازمان ها و صندوق های بیمه ایی هر چه پیرتر می شوند به بحران نزدیک تر می شوند بنابراین اگر نرخ زاد و ولد در جامعه افزایش پیدا کند به صورت خودکار صندوق های بیمه ایی نیز محافظت می شوند. سازمان از طرفداران پروپاقرص نرخ زاد و ولد می باشد به همین دلیل پاداش ازدواج در پارسال ۵/۵ میلیارد تومان پرداخت شده است و معمولا در دو یا سه ماه آخر سال این مبلغ افزایش تصاعدی پیدا می کند چون ازدواج ها در پایان سال بیشتر اتفاق می افتد.
وی در ادامه افزود: در استان مقارن با دهه فجر یک خبر خوبی برای هم استانی های خود داریم و مخصوصا سازمان تامین اجتماعی در حوزه بیمه ایی آن امسال به امید خدا این جشن گرفته می شود که در استان هیچ شعبه و هیچ شهرستانی ملک استیجاری نداشته باشد یعنی تامین اجتماعی در تمام استان شعب آن ملکی باشد و دو تا شعبه از ۱۵ شعبه که استیجاری بوده است که مشکل ملکی داشته اند یکی شعبه شبانکاره است که در یک اقدام جهادی در تقریبا ۱۰۰ روز و با بسیج تمام امکانات شعبه یی را در شبانکاره پس از دوازده سال احداث کردیم و مردم شریف و نجیب شبانکاره خدمات سازمان را در ساختمان ملکی سازمان تامین اجتماعی در یک فضای مطلوب و مناسب و با استانداردهای روز دریافت می کنند با اعتبار ۴۵۰ میلیون تومان در دهه فجر افتتاح می شود و شعبه بعدی در عسلویه بوده است که ستاد مرکزی سازمان تامین اجتماعی در آنجا هم با توجه به تعامل و املاکی که در آنجا بوده یک زمینی برای شعبه عسلویه تهیه کرده است و ان شاالله برای ساخت این شعبه در آینده آماده سازی می گردد.
مدیرکل سازمان تامین اجتماعی خاطرنشان کرد: سازمان در راستای بخشی از ماموریت های خود و برای ایجاد روحیه نشاط و امیدواری و امیدآفرینی بخشی از هنرمندان را تحت پوشش قرار داده است که نتیجه یکی از این پوشش ها تقدیر و تقدیم بازنشستگی به مفاخر هنری استان استاد ایرج صغیری بوده است و در حوزه فرهنگی نیز طرح کرامت رضوی داریم که بازنشستگان سازمان در طول سال به مشهد مقدس اعزام می شوند که اکثر بازنشسته های ما آرزوی این سفر زیارتی به این مکان مقدس را دارند.
وی در ادامه سخنان خود افزود: سازمان تامین اجتماعی فعالیت های ورزشی نیز برای مستمری بگیران و مخاطبین خود دارد که با تکیه بر ورزش همگانی و برگزاری المپیاد ورزشی برای بازنشسته ها و مستمری بگیران و بازماندگان دارد و در حال حاضر مرحله المپیاد کشوری آن در بندرعباس در هفته آینده و یا در همین ماه برگزار می گردد.
وی در پایان گفت: در مجموع سازمان یک هدف دارد هدف آن رضایت مردم، ایجاد رفاه اجتماعی بیشتر می باشد و لازمه ی این کار سازمان را باید چابک و چالاک و با ذوق کرد و به همین دلیل ما سعی کردیم برونسپاری را در استان انجام دهیم و خدماتی نظیر: اجرایی کردن طرح نوین بیمه ایی خدمات و همچنین اجرایی کردن طرح خدمات الکترونیک را خصوصا در شعبی که خیلی شلوغ می باشد به انجام رسانده ایم.
در ادامه جلسه ابراهیم پورحکیمی مدیر درمان سازمان تامین اجتماعی بوشهر ضمن عرض تسلیت به مناسبت شهادت حضرت فاطمه زهرا و تبریک ایام دهه فجر در جمع خبرنگاران گفت: با توجه به ایام دهه فجر و پیروزی انقلاب اسلامی در خصوص نقش سازمان تامین اجتماعی توضیحاتی در ابتدا عرض می کنم سازمان تامین اجتماعی نقش بسیار ارزنده یی در پیاده سازی آرمانهای انقلاب اسلامی دارد و مهمترین این اهداف عبارتند از: استقرار عدالت و برقراری ارزش های انسانی و اخلاقی در جامعه، پیشرفت اقتصادی برای تامین رفاه عمومی و استفاده مناسب از ثروت های خدادادی این سرزمین می باشد که بدون شک سازمان تامین اجتماعی به عنوان یکی از بزرگترین نهادهای مردمی نقش اساسی در پیاده سازی این آرمانهای انقلاب داشته است.
وی در ادامه افزود: سازمان تامین اجتماعی یک سازمان خدماتی می باشد. سازمان تامین اجتماعی به طور کلی دو مدل درمان را ارائه می دهد که یکی درمان مستقیم است که مستقیما در مراکز ملکی خود تولید درمان می کند که در استان سه تا بیمارستان وجود دارد که از مراکز ملکی تامین اجتماعی محسوب می شوند و ۷ درمانگاه و پلی کلینیک وجود دارد. و درمان بعدی درمان غیرمستقیم است یعنی با مراکز ارائه دهنده خدمات درمانی که ما با آنها قرارداد می بندیم و خرید خدمت انجام می دهیم.
ابراهیم پورحکیمی در خصوص وضعیت بودجه ای سازمان تامین اجتماعی تصریح کرد: ۳۰ درصد از اعتبارات سازمان تامین اجتماعی در درمان مستقیم و ۷۰ درصد در درمان غیرمستقیم هزینه می شود. و در سال ۹۵ اعتبارات درمان سازمان تامین اجتماعی ۱۹ هزار میلیارد تومان بوده است که ۱۷ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان آن در درمان مستقیم بوده و غیرمستقیم و مابه التفاوت آن در هزینه های کوتاه مدت درمان هزینه شده است.
وی در خصوص جذب اعتبارات سازمان تامین اجتماعی گفت: متاسفانه در حال حاضر خرید در مراکز درمان غیرمستقیم از مراکز ارائه دهنده درمان به صورت یک نقطه ضعف می باشد و خریدی که از درمان خرید غیرمستقیم انجام می پذیرد یک خرید منفعلانه یی می باشد و یک خرید استراتژیک و راهبردی نیست و هر که تولید خدمت کند ما از آن خرید می کنیم و چون در استان بوشهر ارائه دهنده خدمات درمانی کمتر هستند متاسفانه یک خرید منفعلانه یی است. و من باید بتوانم در درمان مستقیم اعتبار خود را افزایش و توسعه دهم و خدمات بیشتری را به بیمه شدگان تامین اجتماعی افزایش دهم.
وی در ادامه گفت: در سال ۹۵ اعتبارات در بخش درمان مستقیم ۱۹۰ میلیارد تومان توانستیم جذب کنیم و هشتمین استان در جذب اعتبارات در کشور هستیم و این یکی از بهترین رتبه هایی است که در استان وجود دارد و در مجموع در استان ۵۷ درصد اعتبارات را در درمان مستقیم جذب می شود و ۴۳ درصد در درمان غیرمستقیم است و اولین استان کشور در درمان مستقیم و آخرین استان کشور در درمان غیرمستقیم می باشیم.
ابراهیم پورحکیمی بیان کرد: سازمان تامین اجتماعی در یک دوره چهار ساله در قسمت اعتبارات در خصوص تعداد مراجعین ۴۱ درصد رشد داشته است و میانگین کشور ۱۴ درصد بوده است و تعداد تخت های بستری نیز یکی از شاخص های مهم بهداشتی درمانی یک جمعیت و جامعه است چون خیلی هزینه بر است. تا پایان سال ۹۲، ۱۶۴ تخت بستری داشته ایم و در حال حاضر ۲۵۷ تخت بستری وجود دارد که ۵۶/۷ رشد داشته است و این یکی از شاخص های مهم ارزیابی وضعیت درمان و سلامت یک جمعیت و جامعه است و رشد میانگین کشور ۵/۳ درصد بوده است و جذب و توسعه بسیار خوبی در این زمینه نشان می دهد و میانگین ضریب اشتغال در دوره چهار ساله در استان ۹۳ درصد و در کشور ۷۷ درصد بوده است

ارائه مشوق‌های لازم به سرمایه‌گذاران در مناطق ویژه اقتصادی استان بوشهر

معاون هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منابع استانداری بوشهر گفت: برای سرمایه‌گذاران در همه زمینه‌ها به ویژه صنایع خودروسازی مشوق‌های لازم در مناطق ویژه اقتصادی این استان ارائه می‌شود.
به گزارش ایرنا روابط عمومی استانداری بوشهر به نقل از سعید زرین‌فر در مراسم افتتاح نمایشگاه تخصصی خودرو، قطعات و صنایع وابسته در بوشهر اظهار داشت: مزیت مناسبی برای سرمایه‌گذاران واحدهای تولیدی صنعتی در مناطق ویژه اقتصادی استان بوشهر فراهم شده است.
وی افزود: آمادگی لازم برای واگذاری زمین در مناطق ویژه اقتصادی استان بوشهر که دارای زیرساخت‌های مورد نیاز است وجود دارد که صنعت خودروسازی در اولویت است.
معاون استانداری بوشهر گفت: پرداخت تسهیلات اعتباری و بانکی، واگذاری زمین در شرایط مطلوب و فراهم بودن امتیازات لازم در این مناطق ویژه از مزیت‌هایی است که هزینه سرمایه گذاری را کاهش می دهد.
وی یادآور شد: به سبب هم‌جواری مناطق ویژه اقتصادی بوشهر با آبهای خلیج فارس زمینه مناسبی برای صادرات و واردات با تخفیف‌های ویژه فراهم است.
این مقام مسوول اضافه کرد: صنعت خودرو یکی از صنایع مادر و مهمی است که در کنار خود بسیاری دیگر از صنایع ایجاد می کند.
وی یادآور شد: صنعت خودروسازی با گردش مالی قابل توجه در عرصه ایجاد فضای کسب و کار و ایجاد اشتغال نقش آفرین است.
زرین‌فر با بیان اینکه ۲ هزار و ۷۹۰ میلیارد دلار گردش مالی صنعت خودرو در جهان است افزود: در این صنعت افزون بر اشتغالزایی برای ۴۸ میلیون تن در جهان هفتمین جایگاه اقتصادی دنیا نیز محسوب می‌شود.
وی اضافه کرد: در سال‌های اخیر شرکت های خودروسازی داخلی در زمینه مدل های جدید تحول شگرفی داشته اند که این نمایشگاه نشان از توانمندی صنعت خودروسازی در ایران است.

رئیس شورای شهر بوشهر:

مشکل حقوق کارگران پسماند و فضای سبز شهرداری بوشهر حل شد

رئیس شورای شهر بوشهر از مصوبه شورا برای حل مشکل پرداخت مطالبات کارگران پسماند و فضای سبز شهرداری خبر داد.
به گزارش از روابط عمومی شورای اسلامی شهر بوشهر، ابوذر دهدار با بیان اینکه مشکل اصلی در معوق شدن حقوق کارگران فضای سبز و پسماند اتمام قرارداد پیمانکار و طولانی شدن فرآیند برگزاری مناقصه بود، گفت: با مصوبه شورا مشکل پرداخت حقوق این نیروهای زحمتکش شهرداری حل شد. وی خاطرنشان کرد: کارگران فضای سبز و پسماند با خدماتی که در نگهداشت فضای سبز، نظافت شهری و جمع آوری زباله سطح شهر دارند، ولی نعمت ما بوده و از اقشار شریف جامعه هستند.
دهدار افزود: مدیریت این کارگران به بخش خصوصی واگذار شده است اما باید قبول کرد که از نظر معیشت و زندگی با این تاخیرهایی که در پرداختی‌های آنها صورت می‌گیرد دچار آسیب و مشکل هستند و این افرادی که در سخت‌ترین شرایط کار می‌کنند دغدغه امرارمعاش نیز دارند و امیدوارم مسئولان مدیریت شهری توجه بیشتری به آنها داشته باشند.

تسریع در اتمام پروژه های شهری

به گزارش روابط عمومی شهرداری بندر بوشهر عبدالامیر قاسمی سرپرست شهرداری بندر بوشهر طی بازدید از پروژه های بازگشائی گذر شاهمیری، روکش آسفالت باند دوم خیابان فرودگاه و تقاطع غیر همسطح میدان آزادی از نزدیک در انجام کمی و کیفی پروژه های مذکور قرار گرفت و مواردی را در جهت اجرای کیفیت پروژه به دست اندرکاران عنوان نمودند. سرپرست شهرداری بندر بوشهر در این بازدید یادآور شدند تسریع در اتمام پروژه های در دست اقدام از اولویت های برنامه های در دست اقدام بوده و خواستار سرعت عمل لازم با در نظر گرفتن دقت در این امر شدند.

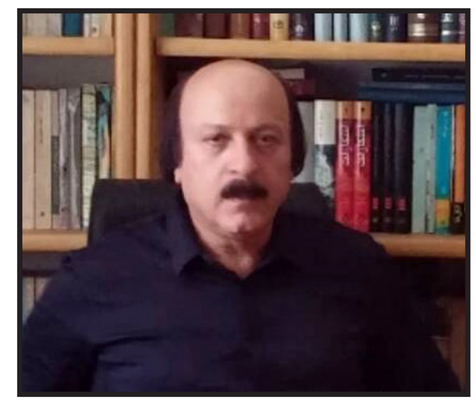
بخشش پای چوبه دار، نجات بانوی بوشهری از مجازات اعدام

دادستان بوشهر گفت: بانوی بوشهری که محکوم به قصاص نفس شده بود پس از ۹ سال تحمل زندان با رضایت اولیای دم در پای چوبه دار از دار مجازات رهایی یافت. علی حسن پور در گفت وگو با ایرنا افزود: با وجود اینکه حکم قصاص مجرم قطعی و وقت قصاص تعیین شده بود با تلاش بی وقفه و چند ماهه شورای حل اختلاف، قاضیان دادگاه عمومی و انقلاب و رئیس دادگاه کیفری استان سرانجام اولیای دم بدون هیچگونه چشم داشتی و برای رضای خدا، رضایت قطعی و کامل خود را برای رهایی این محکوم از اعدام اعلام کردند و پرونده برای سیر مراحل قانونی به مراجع ذیصلاح ارسال شد. وی اضافه کرد: در سال جاری با همت اعضای شورای حل اختلاف، واحد مددکاری زندان، افراد معتمد، قاضیان اجرای احکام رضایت شاکیان و اولیای دم برای هشت نفر از محکومان به قصاص نفس گرفته و منجر به سازش شده است.

نسیم جنوب
مقاله
شماره ۸۵۵ یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

مشارکت شهروندان در قالب اجتماعات محله ای برای مواجهه با پیامدهای حوادث طبیعی

فرخ روزبهی



امروزه دیگر برای ما ایرانی ها پذیرش احتمال وقوع حوادث طبیعی به ویژه زلزله های شدید در اکثر مناطق کشور، امری بدیهی است. تاریخ چند دهه ی گذشته گواه این امر است. از سوی دیگر دستگاههای اداری به شدت بخشی و مرکزگرای دولتی و نیمه دولتی نیز ناتوانی خود را برای مواجهه مناسب با شرایط پس از حادثه نشان داده اند. عدم حضور شهروندان آموزش دیده و سازمان یافته نیز، اوضاع را فاجعه بارتر می کند. تجربه در یک ناحیه شهری «بم» نشان داد که جمعیت شهر پس از کشته شدن نزدیک به سی درصد ساکنان آن، می تواند چند روز پس از حادثه بسیار فراتر از جمعیت اصلی شهر شود که این امر تقریباً هر نوع کمک رسانی و توزیع وسائل امدادی را دشوار می سازد. مسئله جمعیت بومی و غیر بومی تنها بخشی از مسئله مدیریت بحران است. بی اطلاعی از نیازهای واقعی شهروندان، عدم توزیع مناسب کالاهای امدادی در مناطق مختلف شهر، ورود نیروهای ستادی از شهرها و استان های دیگر و ... و به حاشیه رانده شدن شهروندان آسیب دیده و بی اختیار و پیامدهای فاجعه بار روحی و روانی آن، همه از مسائل فوری مدیریت بحران در چنین شرایطی هستند.

اهمیت این مطلب، ما را ناگزیر می سازد که با نگاهی تازه به اجتماعات محله ای، توانایی ها و ظرفیت های آنان را جهت آمادگی برای مقابله با چنین شرایطی به رسمیت بشناسیم و آن را تقویت کنیم. به ویژه فرایندی را که در آن این آمادگی ایجاد شود، به عنوان تلاشی در جهت پی ریزی نوعی سرمایه اجتماعی پایدار تلقی کنیم که علاوه بر انتقال مجموعه ای از آموزش ها و توانایی ها برای همه ی عمر، می تواند تعامل شهروندان را در شرایط زندگی اجتماعی عادی روزانه نیز بهبود بخشیده و سرمایه ای اجتماعی بین نسلی ایجاد نماید.

در این مجموعه، «اجتماع محله ای» با «محله» تفاوت دارد، عموماً محله فضایی فیزیکی با مجموعه ای از عناصر جغرافیایی و انسان ساخت است که از سایر محله ها تفکیک می شود و از زاویه ای دیگر فضایی است که به لحاظ توزیع خدمات شهری و مدیریت این خدمات از سایر محله ها متمایز می شود.

در حالی که «اجتماع محله ای» فضایی است تعاملی، متکی به کنش های متقابل رویاروی تعدادی از شهروندان که در همسایگی یکدیگر زندگی می کنند. کودکان آنان در فضاهای عمومی مشترک آشنا می شوند و گروه همسالان را شکل می دهند که پیامد آن نوعی رابطه ی آشنایی والدین است. این فضای تعاملی به لحاظ تعداد خانوار از نقطه ای به نقطه ی دیگر متفاوت است.

سازمان ملل متحد، دهه ی ۱۹۹۰ را به عنوان دهه ای برای کاهش بلایای طبیعی نامگذاری کرده و در این عرصه مرکز توسعه ی منطقه ای سازمان ملل، مسئول برنامه ریزی برای این مسأله شده است. در سال ۱۹۹۴ اولین کنفرانس بین المللی برای کاهش آسیب های ناشی از حوادث طبیعی برگزار و در آن راهبرد سازمان ملل، برای کاهش این آسیب ها تدوین شد. سؤال اساسی در این دوره این بود که چگونه و چرا حوادث طبیعی تبدیل به بلایای اجتماعی می شود.

در پاسخ به پرسش های فوق برنامه کاری تدوین شد که خطوط اساسی آن، به قرار زیر بوده است:

جلوگیری از پیامدهای ناگوار حوادث طبیعی وقتی مؤثر خواهد بود که مشارکت در سطوح اجتماعات محلی، دستگاه اداری محلی، دولت ملی و همکاری های منطقه ای و بین المللی برقرار شود.

کمک به افزایش انعطاف جوامع ملی، ایجاد اعتماد به نفس در آن ها و استفاده از توانایی ها و شناخت آن ها نسبت به محیط اطرافشان در جلوگیری از پیامدهای ناخوشایند حوادث طبیعی مؤثر خواهد بود.

در این دهه پس از وقوع زلزله های متعدد در نقاط مختلف جهان، به خصوص زلزله ی کوبه در ژاپن در سال ۱۹۹۵، مرکز توسعه منطقه ای سازمان ملل، در سال ۲۰۰۱ به تدوین برنامه ای پرداخت که در آن به ویژه به اهمیت اجتماعات محلی در مدیریت بحران تأکید شده است؛ که به برنامه (CBDM) معروف است.

پیامد تدوین این برنامه برگزاری گردهمایی جهانی برای بررسی میراث اجتماعات محلی در مدیریت بحران، ناشی از حوادث طبیعی بود که در سال ۲۰۰۴ در ژاپن برگزار شد. در سال ۲۰۰۵ نیز به مناسبت گذشت یک دهه از زلزله ی کوبه، و به منظور مرور موضوع اهمیت یافتن مشارکت سازمان یافته ی شهروندان در دهه ای که گذشت، یک کنفرانس جهانی در آن شهر برگزار می شود که یکی از اهداف آن عمومی سازی دانش و اهمیت مشارکت شهروندان در قالب اجتماعات محله ای برای کاهش پیامدهای ناگوار حوادث طبیعی به ویژه زلزله است.

در ایران هر چند حضور همسایگان در جشن و عزا



photo : Alireza Vasigh Ansari

سابقه ای طولانی دارد، اما حضور همسایگان در قالب اجتماعات محله ای و در قالب مدرن (آگاهانه، انتخابی، داوطلبانه و پایدار) آن سابقه ای کم دارد. و نمونه ای که از آن اطلاعات بیشتری در دست است طرح شورایاری دکتر پرویز پیران است که در بیش از هشتاد محله شهر تهران و چند شهر دیگر اجرا شده است. اما تعریف کارکرد اجتماعات محله ای به عنوان ساختار مدیریت بحران ناشی از حوادث طبیعی، علی رغم آن که دو دهه از تجربه ی آن در کوبه می گذرد، در ایران در مقیاس یک شهر تازه است؛ و برای اولین بار پس از زلزله ی شهرستان بم آغاز شده است. براساس برنامه یا نظریه CBDM سازمان ملل، شش فرایند به هم پیوسته جهت اجرای آن پیشنهاد شده است. (الگوی پیشنهادی «سیام»).

اول، توجه به وضعیت های فرهنگی توجیه کننده پیامدهای ناگوار حادثه، در مقابل وضعیت های مذکور چنان اندوهی را در بازماندگان برجای می گذارد که خود را به سرنوشت محتوم می سپارند؛ و هر تعاملی را برای مدیریت کردن شرایط بیهوده می پندارند. در مقابل هر چه که امکان نقد عمومی این ایده بیشتر فراهم شود، سازماندهی اجتماعات محله ای آسان تر خواهد بود. در حقیقت این گونه ارزش ها و دیدگاه های سرمایه اجتماعی موجود جهت فعال شدن در عرصه مقابله با بحران را کند و کم اثر می سازد.

برای مثال از همان آغاز زلزله ی شهرستان بم، دو دیدگاه در میان بازماندگان فاجعه خود را نشان داد. گروهی که حادثه را عقوبتی برای خود و سایرین می دانستند، و آن را ناشی از گسترش گناه در جامعه قلمداد می کردند و برای شب حادثه چند شاهد مثال می آوردند. در مقابل گروهی دیگر از شهروندان که پیامدهای حادثه و به ویژه مرگ چند ده هزار انسان را ناشی از عدم اطلاع رسانی مسئولین، پس از چند زلزله ی متوالی مقدماتی و نبود آموزش، امکانات و تجهیزات ارزیابی می کردند. و حق تا آن جا پیش می رفتند که اساساً منکر طبیعی بودن حادثه می شدند و شواهدی بر «انسان ساخت» بودن آن می آوردند. دیدگاه اول به سرعت مورد نقد عمومی قرار گرفت و زنان در بازتوانی اعضای بر جا مانده از خانواده برای شروع زندگی مجدد، به دلیل مضاعف شدن مشکلات خود، نقش تعیین کننده ای را ایفا کردند.

دوم- توجه به اهمیت معرفی جایگاه اجتماعات محلی در مدیریت بحران برای تمام دستگاه ها، نهادها، ارگان ها و مجموعه ی مرتبط با مسئله امداد و نجات و بازسازی. این امر تنها به کمک نهادهای مدنی محلی (شهرداری ها، مطبوعات، تشکل های غیردولتی و...) امکان پذیر است؛ در غیر این صورت ادارات مذکور اجتماعات محله ای را رقیب فعالیت های خود تلقی می کنند و در عمل راه مشارکت سازمان یافته شهروندان را به اشکال گوناگون سد می کنند.

سوم- تشویق شهروندان برای حضور جمعی در قالب اجتماعات محلی مدرن. در قالب گروه های کاری در یک اجتماع محله ای مانند گروه امداد و نجات، گروه تجهیزات و اسکان موقت، گروه حامی کودکان، گروه حامی مصدومین و مجروحین، گروه اطلاع رسانی و خبرنامه، گروه بهداشت محیط (شهرداری محله) و... است.

چهارم- توجه به اهداف فردی دست یافتنی در جلب مشارکت شهروندان به خصوص جوانان داوطلب (دختر و پسر) در قالب گروه های کاری فوق الذکر در قالب اجتماع محله ای است.

پنجم- توجه به امر آموزش شهروندان در قالب اجتماعات محلی مدرن. این عرصه ی گسترده، دشوار و دایمی است.

ششم- توجه به فراهم کردن ابزارهای سخت افزاری، نرم افزاری و بودجه های لازم. همه ساله بسیاری از دستگاه های اداری دولتی در عرصه آموزش شهروندان اعتباراتی را هزینه می کنند. شهرداری ها موظفند که بخشی از اعتبارات خود را برای جلب مشارکت شهروندان هزینه کنند. اجتماعات محله ای قالبی خواهد بود که این فرایند بخشی، پراکنده و کم فایده را هماهنگ و متمرکز سازد.

خلاصه این که تجربه ی دهه های اخیر نشان داده است که دستگاه های عریض و طویل هلال احمر و وزارت کشور، که به طور رسمی امر مدیریت بحران ناشی از حوادث طبیعی را برعهده دارند، فاقد دانش مدرن در امر مدیریت بحران بر پایه ی اجتماعات محلی هستند. این برنامه را باید درصدد راهکارهای کاهش ضایعات انسانی، امداد و نجات، اسکان اضطراری، اسکان موقت و بازسازی قرار داد. تمرین این کارکرد مدرن اجتماعات محله ای در شهر بم و بروات، در قالب طرح شورایاری معرفی و ضرورت تصویب قوانین روشن برای رسمیت یابی اجتماعات محله ای، برای مدیریت بحران همراه با ضرورت فراهم نمودن امکانات لازم برای آن ها نشان داده شد. اجرایی نشدن این تجربه ی جهانی به معنی قربانی کردن آگاهانه ی شهروندان در آینده ای نه چندان دور خواهد بود. ان شاالله که این اتفاق در کشور رانت برما، آن هم از نوع نفتی بیفتد. امید است صدای قربانیان زلزله ی کرمانشاه به نحو مطلوب شنیده شود.

منبع: زند رضوی، سیامک، جامعه شناسی و مدیریت بحران (تجربه ی بم)، چاپ اول؛ تهران، نشر قطره، بهار ۱۳۸۹ (صفحات ۴۵-۳۵).

چرا «شست و شوی پای همسر» در فضای مجازی جنجال به پا کرد؟

مرتضی مونسی

حرف های خانمی که در شبکه استانی یزد، توصیه هایی برای زنان کرده بود، نقل محافل و شبکه های اجتماعی شده است. او در این برنامه خطاب به زنان می گوید: اگر می خواهید در دل شوهران تان جای بگیرید، هر از گاهی تشتی پر از آب یا شیر کنید و پاهای او را ماساژ دهید، با حوله خشک کنید و بوسه ای بر آن بزنید.

همان طور که پیش بینی می شد، فیلم این حرف ها به سرعت در شبکه های مجازی دست به دست شد و موجی وسیع علیه آن شکل گرفت. حتی صدا و سیمای یزد هم بابت پخش این سخنان از تلویزیون عذرخواهی کرد.

واقعیت تلخ این است که بسیاری از ازدواج ها در ایران، نه عاشقانه شکل می گیرد و نه عاشقانه ادامه می یابد. با تأسف فراوان می توان گفت که زندگی های مشترک امروزی، عمدتاً شکل معامله گرفته اند و یا به این خاطر ازدواج می کنند که بعد از سال ها تجرد، باید طبق رسم اجتماعی ازدواج کنند تا به قول معروف، سر پیری کسی باشد که یک لیوان آب دست شان بدهد.

در ازدواج هایی که زن می خواهد مرد را تحت سلطه خود درآورد و مرد هم حتی قبل از ازدواج در اندیشه کشتن گربه دم حجله است، روابط خانوادگی بر اساس فرمول قدرت شکل می گیرد که در آن، هر کدام از زوج ها سعی می کنند دیگری را کنترل کنند. اینجاست که مفاهیم احمقانه و البته رایجی مانند مردسالاری و زن ذلیلی شکل می گیرد و کل زندگی مشترک را در یک ادبیات غیرعاشقانه تعریف می کند.

زندگی های مشترک کنونی را ببینید؛ اغلب شان بر اساس تسلط یکی از همسران بر دیگری شکل گرفته است یا در بهترین حالت، وضعیت توازن قوا برقرار است و جنگ سرد!

بدیهی است که عشق در چنین وضعیتی، محلی از اعراب ندارد و چیزهایی مانند هدیه گرفتن و بیرون رفتن و جشن سالگرد ازدواج و مهمانی های خانوادگی و ... رویکرد مناسکی و آیینی دارند.

حال اگر به زنی که زندگی او و همسرش بر مبنای منافع، سلطه وکنترل طرفینی پیش می رود، بگویند که برو و پاهای شوهرت را در تشت آبی بگذار و ماساژ بده و خشک کن و بوسه ای هم بزن، حتماً واکنش نشان خواهد داد و خواهد گفت که با این کار، سلطه او بر من بیشتر خواهد شد.

قطعاً اگر در آن برنامه، برعکس این موضوع نیز گفته می شود و مردان به شستن پای همسران شان توصیه می شدند، باز هم واکنش ها منفی بود و مردها می گفتند که فقط همین مان مانده است که پای زنمان را بشوییم و او را پر رو تر کنیم!

اما زن و مردی که همدیگر را عاشقانه دوست دارند، دل شان برای هم نه تنها می تپد که می لرزد، عشق را با ایثار برای همدیگر معنی کرده اند، دلتنگ یکدیگر می شوند، به خاطر درد یکی، درد در تمام وجود دیگری پراکنده می شود، هر دو می کوشند در خوشحال کردن هم، از یکدیگر پیشی بگیرند، خیلی راحت می توانند در خلوت عاشقانه شان، پای دیگری را بشویند، ماساژ دهند، خشک کنند، ببوسند و به همدیگر آرامش دهند. عشق که باشد، نه آن که پای دیگری را می شوید، احساس می کند که در موضع پایین تری قرار گرفته و نه دیگری حس تسلط و تفرعن پیدا می کند.

مشکل اصلی زندگی های مشترک امروزی، این است که به قول دکتر ویلیام گلاسر، اسطوره روان شناسی آمریکا و بنیانگذار تئوری انتخاب، همسران می خواهند همدیگر را کنترل کنند و این کنترل گری، دیگر جایی برای عشق باقی نمی گذارد. عشق هم که نباشد، این طلاق است که سکه رایج می شود، بعضی ها با طلاق قانونی از هم جدا می شوند و بسیار بیشتر از آنها، با طلاق عاطفی، دل هایشان را از هم جدا می کنند و در خانه های مشترک شان، سنگربندی می کنند تا روزی که مرگ، آنها را از هم "رها" کند.

فقدان توانایی گفتگو به مثابه نمادی از جامعه‌ی توسعه‌نیافته

محمد رجب‌نژاد



از مصادیق و نمادهای یک جامعه‌ی توسعه نیافته یا در حال توسعه، فقدان فضای بحث و گفتگوست. در چنین جوامعی بحث و گفتگو یکسره با جنگ یکسان پنداشته می‌شود. اینجاست که می‌توان ادعا کرد که در ایران، نه تنها دانشگاه – به معنای آن دانشگاه روشنگری‌ساز و یا حتی حاصل روشنگری– نداشته‌ایم و نداریم، که حتی هنوز فاقد یک میز گفتگو هستیم که بتوانیم پشت‌اش بنشینیم و با هم گفتگو کنیم. موضوع هم خیلی مهم نیست و این وضع شامل حال تقریباً هر موضوعی می‌شود. در این گونه جوامع، «اطلاعات/دانش» به مثابه گرز و خنجر عمل می‌کند. بحث کردن با یک استاد دانشگاه در یک محیط توسعه یافته، به مراتب در فضایی خاضعانه‌تر صورت می‌گیرد تا گفتگو با لشکر عظیم بزرگان، استادان و روشنفکران موجود در کوچه و خیابان محیط‌های توسعه نیافته، که هر کدام مُلک طلقی دارند ساخته‌ی هر چه که خوانده‌اند، یا نخوانده شنیده‌اند، و عرض سلامی ولو کوچک از لای درِ آن مُلک با مشت آهنین این بزرگان مواجه می‌شودِ و کسی را شایسته‌ی اظهار نظر در آن مُلک نمی‌دانند. البته در این محیط‌ها هم بزرگانی در هر حیطه وجود دارند، که به صورت سنتی دیده نمی‌شوند. بی نام و نشان و شاخ و شانه کشیدن، عمری کارشان را می‌کنند و در رضایت درونی، احتمالاً فقر بیرونی و البته گمنامی هم می‌میرند. کسانی که دایره‌ی شناسندگان‌شان با محدوده‌ی «فالوور»ها و «لایک» گذارندگان خرده سلبریتی‌های جهادگر فرهنگی (از نوع جهادگر نه با نفس، که با نفوس، از امثال تتلوها و رامبدهای جوان تا «روشن»فکرهای کانفورمیست که حالا شکم و زیر شکم و دنیا و عقبا را در گرایش به نئولیبرالیسم می‌بینند)، حتی قابل مقایسه هم نیست. اگر در چنین جوامعی هستیم (که هستیم)، و اگر درد و هدفی جمعی و اجتماعی– نه صرفاً شخصی و خصوصی اما رنگ و لعاب اجتماعی خورده– داریم (که لابد داریم)، خوب است نگاهی به گذشتگان‌مان بیاندازیم، جایگاه خود را بدانیم و دچار توهم و خودبزرگ‌بینی نشویم. چرا که در اثر فقدان نگاه به گذشته در این جوامع، «اطلاعات/دانش» که می‌تواند تیغ جراحی باشد و زندگی دهد، حالا چاقوی کشنده شده است. بحث و گفتگوی انسانی که در آن هر کس به فکر اثبات خودش و حقانیت و بزرگی‌اش باشد، جنینی مرده است که هیچ‌وقت قرار نیست متولد شود، چه رسد که خود نیز فرزندانی بیاورد، راه را ادامه دهد و سنت‌ساز هم بشود. در این جوامع گفتگو، به زورآزمایی جسمی می‌ماند و جامعه را به جنگلی تبدیل می‌کند که در آن، آنچه که به عنوان «اطلاعات/دانش» می‌دانیم تبدیل به شاخ و عاج و نیش ما برای مبارزه با رقبا می‌شود. خواه در یک جمع خانوادگی، یک تاکسی، در گفتگوهای نوشتاری و «ژورنالی»، یا در محیط به اصطلاح آکادمیک. توانایی با هم حرف زدن، در عین این که ساده‌ترین امکان بشری پنداشته می‌شود، در چنین جوامعی کمیاب، و در اصل همان حلقه‌ی مفقوده است.

به گمان من، ما به عنوان مُشتی گونه‌ی انسان در این نقطه از تاریخ این جغرافیا، به چیزی محتاج‌ایم، که منشأ بسیاری از فقدان‌های ماست: توانایی گفتگوی خاضعانه با هم.

هفته نامه
نسیم جنوب
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷- ۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com
info@nasimjonoub.com

معاون سوادآموزی استان بوشهر:

اختلاف باسوادی زنان و مردان به کمتر از یک درصد رسیده است



معاون سوادآموزی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر گفت: درصد باسوادی در گروه سنی ۱۰تا ۴۹ ساله در استان در سال ۱۳۵۵ از ۳۹/۴ درصد (سی نه و چهار دهم درصد) به ۹۵/۶ درصد (نه و پنج و شش دهم درصد) در سال۱۳۹۵ رسیده است.

به گزارش خبرگزاری فارس از بوشهر، غلامرضا دانش‌فر در جلسه کارگاه آموزشی سامانه سوادآموزی در بوشهر با تبریک سال‌روز ورود بنیان‌گذار فقید جمهوری اسلامی به ایران به تأثیر انقلاب اسلامی در آگاهی‌بخشی و باسوادی مردم شهرها و روستاهای استان پرداخت و اظهار داشت: درصد باسوادی در گروه سنی ۱۰ تا ۴۹ ساله در استان در سال ۱۳۵۵ از ۳۹,۴ به ۹۵,۶ درصد در سال ۱۳۹۵ درصد رسیده است و در حال حاضر میزان باسوادی استان به ۹۶,۲ درصد رسیده است.

وی با مقایسه آماری جمعیت ۱۰ تا ۴۹ ساله استان بوشهر قبل از پیروزی انقلاب اسلامی که نشان‌دهنده اختلاف ۳۶درصدی بین جمعیت باسواد روستایی و شهری است، تصریح کرد: تا سال ۱۳۵۵ از کل جمعیت شهری ۶۲,۶ درصد و از کل جمعیت روستایی۲۶,۶ درصد باسواد بوده‌اند.

معاون سوادآموزی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر یادآور شد: در سال ۱۳۵۵ درصد باسوادی مردان ۱۰ تا ۴۹ ساله ۵۵,۲ درصد و زنان ۲۳,۶ درصد بوده در صورتی که در سال ۱۳۹۵ درصد باسوادی مردان به ۹۵,۷۸ و زنان به ۹۵,۲۳ درصد افزایش یافته است.

دانش‌فر اختلاف باسوادی زنان و مردان هم استانی را ۳۱,۶ درصد در سال ۱۳۵۵ ذکر کرد و افزود: بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵، اختلاف باسوادی زنان و مردان به کمتر از یک درصد رسیده است.

وی با یادآوری اولویت اصلی سوادآموزی در جذب افراد محروم از نعمت خواندن و نوشتن، بیان کرد: کارشناسان سوادآموزی برای باسوادی افراد در شهرها و روستاها باید تمام توان خود را بکار گیرند و تلاش‌های خود را چند برابر کنند.

نماینده جنوب استان بوشهر:

اختصاص سه درصد از صادرات نفت برای استان‌های گازخیز ناعادلانه است



نماینده جنوب استان بوشهر گفت: هم اکنون اکثر تولید گاز کشور دارای مصارف داخلی است و صادر نمی‌شود و اگر مبنای تخصیص ۳ درصد درآمد حاصل از صادرات باشد ناعادلانه است و باید میزان تولید مدنظر قرار بگیرد.

سکینه الماسی در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری فارس در بوشهر اظهار داشت: بر اساس بند ب تبصره یک لایحه بودجه سال ۹۷ سه درصد(۳%) از صادرات نفت خام و میعانات گازی برای مناطق و شهرستان‌های نفت‌خیز، گازخیز و کمتر توسعه‌یافته اختصاص یافته که برای استان‌های گازخیز ناعادلانه است.

وی افزود: هم اکنون اکثر تولید گاز کشور دارای مصارف داخلی است و صادر نمی‌شود و اگر مبنای تخصیص ۳ درصد درآمد حاصل از صادرات باشد ناعادلانه است و باید میزان تولید مد نظر قرار بگیرد.

عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی با بیان این که بر اساس سیاست‌های جایگزینی گاز به جای نفت در کشور سهم سوخت مایع از ۴۵ درصد به ۱۲ درصد کاهش یافته و سهم گاز در صنایع و نیروگاه‌ها از ۵۵ درصد به ۸۸ درصد رشد یافته است افزود: عادلانه نیست که چون گاز تولیدی در مناطق گازخیز بیشتر در داخل مصرف می‌شود سهم آنان نادیده گرفته شود.

الماسی تاکید کرد: درآمد کشور از محل صادرات نفت ۱۸ میلیارد دلار است که ۳۳ درصد از آن در نتیجه جایگزینی گاز به جای نفت در مصارف داخلی بوده است.

نماینده دیر، کنگان، جم و عسلویه اظهار داشت: پس از این توضیحات به نمایندگان مجلس، اکثریت نمایندگان به تغییر این بخش از لایحه بودجه کشور رأی مثبت دادند.

نسیم جنوب ۴
احتماعی
شماره ۸۵۵ یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

تحلیل متفاوت یک جامعه‌شناس از ناآرامی‌های اخیر ایران

طبقه متوسط فقیر



حوادث اخیر، شورش طبقه متوسط فقیر را نشان داد. درباره این طبقه یک تناقض وجود دارد. افراد آن، دارای مدارک دانشگاهی هستند، جهان را می‌شناسند و در آرزوی زندگی طبقه متوسط هستند. اما، در اثر محرومیت اقتصادی مجبورند به شکل فقر سنتی در زاغه‌ها زندگی کنند. این طبقه به لحاظ مالی به حمایت خانواده یا شغل‌های کم درآمد و متزلزل تاکسیرانی، میوه‌فروشی و دستفروشی - متکی هستند.

برخلاف شورش‌های گذشته، ناآرامی‌های اخیر توسط یک طبقه متوسط در حال ظهور و خشمگین بوجود آمد که با آینده‌ای از فرصت‌های محدود مواجه است.

به گزارش فرارو، آصف بیات، جامعه‌شناس ایرانی در دانشگاه ایلینوی، طی یادداشتی در نشریه آتلانتیک به علت‌یابی ناآرامی‌های اخیر ایران پرداخت و نوشت: در مرکز شورش، طبقه متوسط فقیر قرار دارد. طبقه‌ای رو به رشد و خشمگین که توسط دوران نئولیبرالیسم بوجود آمد. دورانی که در آن رفاه مردم تحت رحمت بازار بود.

با گشایش اقتصاد ایران، این طبقه از فرصت‌های تحصیلی نفع برد. اما در یافتن شغل در بازار کار ناکام ماند. توقعات آنها، بالاست، اما نحوه امرار معاش‌شان پرابهام است.

در ایران، اعتراضات خیابانی کارگران کم نیست. از دهه ۱۹۹۰ کارگران درباره حقوق، مزایا، اخراج شدن، اتحادیه‌های کارگران و تاثیرات لیبرالیزه کردن اقتصاد اعتراض می‌کرده‌اند. این لیبرالیزاسیون باعث شد کارگران، خُردشده‌تر، غیر رسمی‌تر و آسیب‌پذیرتر شوند. امروزه، چیزی حدود ۸۰ درصد کارگران ایران، دارای قراردادهای موقت و ناامن هستند. شاید به همین دلیل است که در سال ۲۰۱۵ حدود ۴۰۰ اعتراض کارگری و در ۲۰۱۶ تقریبا ۳۵۰ اعتراض کارگری در ایران اتفاق افتاد. در اعتراضات اخیر، سازمان‌های کارگری، بیانیه‌ای صادر کردند و خواستار "پایان فقر و بدبختی" شدند و دولت را به انجام اصلاحات به نفع کارگران ترغیب کردند.

در این یادداشت آمده: این روزها، این توده‌های ناهمگون ایران هستند که - حتی بیش از کارگران سازماندهی‌شده- به شکل روزانه با مسئولان در کشمکش هستند. طبق آمار انجمن فدائیان انقلاب اسلامی، سازمان نزدیک به محمود احمدی نژاد، از مارس ۲۰۱۶، تقریبا ۱۷۰۰ اعتراض اجتماعی گزارش شده است. همزمان که دولت تخطی‌های آرام و غیر رسمی- مانند ساخت منازل بدون اجازه، طفره رفتن از پرداخت قبوض آب و برق و تجارت خیابانی- را محدود می‌کند، فقرا خشم جمعی خودشان را به خیابان‌ها می‌آورند. چنین اعتراضاتی تا حدودی متضمن واکنش جمعی طبقات پایین علیه آنچه که آن‌ها نمی‌توانند از طریق تخطی‌های آرام بدست بیاورند، است. نارضایتی روزانه، اعتراضات اخیر را برافروخت. با این حال، ناآرامی‌ها از این نارضایتی فراتر رفت. معترضان به طور ناگهان متحد شدند و توسط جوانان خشمگین که در دهه سوم زندگی‌شان بودند، رهبری شدند. این جوانان به عنوان اعضای طبقه متوسط فقیر، ریسک بزرگِ آمدن به خیابان و شعار دادن را قبول کردند.

بیات در پاسخ به این پرسش که چه کسی ناآرامی‌های اخیر را رهبری کرد، ضمن مقایسه تحولات اخیر با حوادث ۸۸ و شورش مشهد در دهه ۹۰ میلادی نوشت: ناآرامی اخیر، نه از نارضایتی فقرای سنتی ناشی شد و نه طبقات متوسط مدرن. بلکه طبق آمار وزارت کشور، بیش از ۹۰ درصد بازداشت‌شدگان؛ زیر ۲۵ سال سن داشتند و احتمالا تحصیلکرده بودند. در مقابل، حوادث اخیر، شورش طبقه متوسط فقیر را نشان داد. درباره این طبقه یک تناقض وجود دارد. افراد آن، دارای مدارک دانشگاهی هستند، جهان را می‌شناسند و در آرزوی زندگی طبقه متوسط هستند. اما، در اثر محرومیت اقتصادی مجبورند به شکل فقر سنتی در زاغه‌ها زندگی کنند. این طبقه به لحاظ مالی به حمایت خانواده یا شغل‌های کم درآمد و متزلزل - تاکسیرانی، میوه‌فروشی و دستفروشی - متکی هستند.

یک عضو طبقه متوسط فقیر، مکررا به مراکز شهری می‌رود، اما در حاشیه زندگی می‌کند. او در آرزوی پوشیدن کفش نایک است، اما به یک کفش ارزان شبیه به آن بسنده می‌کند. او آرزو می‌کند به خارج برای کار یا تعطیلات برود، اما احساس می‌کند، به دلیل کمبود پول به دام افتاده است. این طبقه، جهان فقر و محرومیت، زاغه نشینی، بدهکاری و تزلزل را با جهان دانشگاهی، مصرف و اینترنت و نیز زندگی جهانی پیوند می‌زند. اعضای این طبقه، شدیدا از آنچه در جهان موجود است و از آنچه که آن‌ها دردمندانه فاقد آن هستند، اطلاع دارند. فرض بر این بود که شرایط زندگی متزلزل و برزخی‌شان، موقت باشد، اما در واقعیت، دائمی شد.

ریشه‌های این گروه به دهه ۱۹۸۰ بازمی‌گردد. زمانی که میزان باروری بالای ایران، یکی از بزرگ‌ترین جمعیت‌های جوان جهان را بوجود آورد. به طور همزمان، باسوادی گسترش یافت. در پایان دهه نود میلادی، جمعیت دانشجویی ۲۶۶ درصد - به میزان ۲۰ میلیون دانشجو یا یک سوم جمعیت - افزایش یافت. در ژوئن ۲۰۱۴، تعداد دانشجویان ایران ۴.۵ میلیون بود. گسترش دانشگاه آزاد اسلامی و توسعه آموزش از راه دور تقریبا در هر روستایی فارغ التحصیلان دانشگاهی بوجود آورد. اما با وجود اینکه تحصیلات، توقعات را بالا برد، در تامین تحرک اقتصادی ناکام ماند. در حال حاضر حداقل، ۲.۵ میلیون فارغ التحصیل دانشگاهی بیکار هستند. طبق گزارش مجلس، ۳۵ درصد جوانان تحصیلکرده بیکار هستند.

با هیچ ماشینی کورس نگذاشتیم



محمد امین حسن پور(یکی از همراهان مهدی قائدی در شب تصادف) درباره این سانحه اظهار کرد:

من قصد صحبت کردن ندارم و در دادگاه صحبت می‌کنم. فقط می‌توانم بگویم که راننده این اتومبیل من بودم و گزارش راهنمایی و رانندگی درباره این سانحه اشتباه است.

در چند روز اخیر اخباری مبنی بر کورس گذاشتن یک خودروی پرادو با خودروی MVM مهدی قائدی منتشر شده و عامل اصلی سرنگونی خودروی MVM را برخورد پرادو از پشت به این اتومبیل اعلام کرده‌اند اما حسن‌پور در این باره اظهار کرد: چنین چیزی نبوده و هیچ خودروی پرادویی در این ماجرا حضور نداشت. ما با هیچ ماشینی کورس نگذاشتیم.

او در پایان در پاسخ به این سوال که آیا سرنشینان خودرو هنگام حادثه حالت عادی داشتند؟ گفت: همه افراد حالت عادی داشته‌اند.

پیام سپاس خانواده شادروان احمدرضا شاکر

میلاد هر کودک، شکفتن گلی را ماند!!!

میلاد دوباره گلی که طولانیِ زمستانهای سخت را نگذرانده. پدری که پای رفتنش نیست ... مادری که نفسهایش به شمار سال‌های دردانه‌اش افتاده، هفده زمستان و بهار هجدهمین، نرسید به آبی سواحل همیشه فارس مادری‌مان، بهاری که همیشه سر بزنگاه نمی‌رسد!

راضی شدیم به رضای احمدرضای نوجوان و طلوع غریبانه‌اش را در زندگی دوباره دیگر عزیزان متبرک می‌دانیم که هر چه بر ساحل و خاک دیار مادرانه‌مان قدم آهسته کنیم، رخت عزاست که بر سرمان آوار می‌شود.

راضی شدیم، رضای نوجوانی‌ات را، سلول به سلول، قلب به قلب، نگاه به نگاه، در زمین و زمان جست و جویت می‌کنیم.

دلمان خون زده، چشمان خون زده، جهان را پیش چشمان تو نظاره کرده‌ایم که ماندگار باشی، و سستی پای پدری دیگر را نبینیم، مادران سرزمینمان نفسهایشان به شمار جگر گوشه شان نیفتد که بخندی از فراز ابرها و ساحل و زمستان‌هایی بلند را با پوستی دیگر که حالا تکه‌ای از توست زیست کنی.

شاکریم به این ثانیه‌های بی امان که این گونه مانده و زل زده‌اند به هوای خانه ...

با دو پای رفته، رفته به بدرقه گلی نشکفته، پرپر شده به پیشواز بهار ...

ما را یارای گفتن و نوشتن نیست، معشوق آنچه می‌داند بر ما عرض داشته، تسلیمیم به رضای دوست.

باشد که صدای تپش‌ها و نفس‌های دردانه‌مان احمدرضا زندگی بخش و امیدبخش باشد بر آنها که این دقایق، گرد خستگی و ناامیدی مجال لبخند و زندگی را از نگاه و لبهاشان دور کرده است.

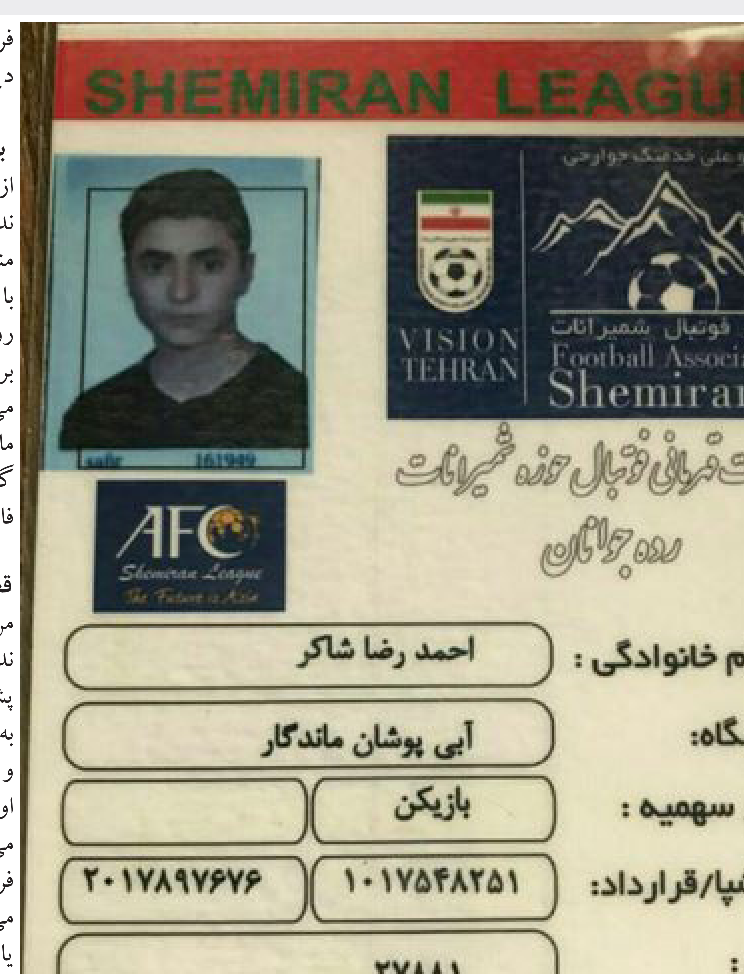
حال که دست تقدیر نوجوان برومندمان احمدرضا شاکر، دچار سانحه رانندگی شد و با سطح هوشیاری پایین در بیمارستان شهدای خلیج فارس بستری گردید، با اطلاع پزشکان گرانقدر مبنی بر قطع امید از بازگشت عزیزمان، با رضایت خانواده، آن گونه که مرام و منش پهلوانی احمدرضا بود، تصمیم به اهدای عضو ایشان گرفته شد.

از تمامی ملت شریف ایران، اصحاب رسانه، دوستان و خویشان دور و نزدیک که این روزهای سخت و طاقت فرسا کنارمان هستند و با ابراز هم‌دردی‌شان داغ این روزهایمان را قابل تحمل‌تر می‌کنند صمیمانه قدردانی می‌کنیم و با دلی پر از اشک و خون برای همه ملت ایران شادی و سلامتی آرزومندیم.

خانواده شادروان احمدرضا شاکر

مادر مرحوم احمدرضا شاکر:

وقتی قلب احمدرضا می‌تپد یعنی زنده است





مادر مرحوم احمدرضا شاکر همسفر مهدی قائدی در مورد حادثه رخ داده برای فرزندش و شایعات به وجود آمده صحبت کرد.

به گزارش «ورزش بوشهر»؛ حادثه تصادف مهدی قائدی و همراهانش در بوشهر که اتفاق افتاد، جامعه ورزشی را در شوک فرو برد. اهمیت این حادثه به قدری بود که اخبار مختلفی از سوی رسانه‌ها در این مدت منتشر شد که برخی از آنها تأیید و برخی دیگر تکذیب شد. در این میان تلخ ترین اتفاق، مرگ مغزی احمدرضا شاکر، یکی از همراهان قائدی در خودروی واژگون شده بود که خانواده وی در اقدامی خداپسندانه اعضای بدنش را به ۸ بیمار نیازمند اهدا کردند.

تشییع پیکر فرزندم مثل شهدا بود

مادر مرحوم شاکر می گوید: روز جمعه پیکر فرزندم را تشییع کردند و مردم زیادی لطف و محبت داشتند. این مراسم به قدری با شکوه برگزار شد که مثل تشییع پیکر شهدا بود. من به فرزندم افتخار می‌کنم که سالم زندگی کرد و در حق کسی بدی نکرده بود.

وقتی قلب احمدرضا می‌تپد یعنی زنده است

وی در گفتگو با ایلنا افزود: اهدای اعضای فرزندم فقط انجام وظیفه بود و کار خاصی انجام ندادیم. این اعضا به ۸ نیازمند اهدا شد و قلب فرزند من هنوز می‌تپد. اتفاقی که باعث آرامش ما شد هم همین موضوع است. هیچ کس با مغز خود زندگی نمی‌کند و همه با قلب خود زنده هستند و وقتی قلب فرزند من هنوز در سینه کسی دیگر می‌تپد یعنی او زنده است.

با قائدی نسبت فامیلی نداریم

از مهدی قائدی هیچ اطلاعی ندارم. برخلاف اخباری که منتشر شده ما هیچ نسبت فامیلی با یکدیگر نداریم. در بوشهر روابط نزدیکی میان مردم برقرار است و همه مثل خانواده می‌مانند. من برای مهدی مثل مادر هستم و همسرم حق پدری گردنش دارد ولی هیچ نسبت فامیلی میان ما نیست.

قصد شکایت از قائدی را ندارم

من قصد شکایت از قائدی را ندارم. اینکه او بدون گواهینامه پشت فرمان نشسته یا نه مربوط به راهنمایی و رانندگی است و آنها اگر می‌خواهند با او برخورد کنند خودشان می‌دانند. من فقط حق قانونی فرزندم را می‌خواهم و این را می‌خواهد مهدی قائدی بدهد یا بیمه یا هرجای دیگری برای ما مهم نیست. ما این مبلغ را می‌خواهیم چرا که قصد داریم در کربلا یک موکب به نام احمدرضا بزنیم.

کسی که قلب پسرم را می‌گیرد یک کربلا میهمان من است

احمدرضا آرزو داشت به کربلا برود و برای همین هر کسی که قلب فرزند من به او اهدا می‌شود یک کربلا میهمان من خواهد بود و با هزینه من می‌رود. ما اعضا را به ۸ نفر هدیه کردیم و ۸ نفر به جمعیت خانواده ما اضافه شده است. دعا کنید این هدیه‌ها پس زده نشود.

دلم نمی‌آمد بدن احمدرضا را به خاک بسپارم

فرزند من ۶ سال ووشو کار بود و قهرمان تهران و نایب قهرمان ایران بود و علاوه بر آن عضو باشگاه استقلال هم بود. من دلم نمی‌آمد بدن او را به خاک بسپارم و واقعاً حیف از فرزند من بود که این اتفاق برایش بیافتد.

"زنده یاد نامی" که باعث روشنی بخش زندگی شد

رضا سیاهوشی



می گویند؛ هر فرد مرگ مغزی می تواند جان ۸ نفر را نجات دهد.

هر ۱۰ دقیقه یک نفر به لیست انتظار اضافه می گردد.

هر ۲ ساعت یک بیمار نیاز به پیوند جان خود را از دست می دهد.

هر ۱۲ ساعت یک بیمار موفق به دریافت عضو حیاتی می شود و به زندگی باز می گردد.

نباشد همی نیک و بد، پایدار
همان بِه که نیکی بُوَد یادگار

خانوادهِ بزرگ و ستودنی "شاکر" بگویید: احمدرضا جان!

ما درد فراق دیده بودیم، افسانه غم شنیده بودیم.

اما غم تو چه جانگداز است، دردی است که قصه اش دراز است.

بله؛ قصه این درد دراز است اما هیچ توصیفی نمی توان برای کار نیک، ماندگار و ارزشمند شما قابل دانست!

در باور کمتر انسانی می گنجد که در چنین شرایط غم بار، عذاب آور و سخت، بتوان تصمیمی گرفت و خود را راضی نمود که تکه تکه اعضای جگر گوشه خود را چنین با رغبت و رضایت به سخاوت بخشید و در حین تحمل درد سنگین فراق و از دست دادن "عزیزت" به این اندیشه باشی که باید در هر شرایطی بذر بخشندگی و مهر نیز کاشت!

آقای "کریم شاکر" تو و مادر "احمدرضا" نام زرین خود را در دفتر ماندگار و ارزشمند "بشریت" ثبت تاریخی نمودید و درس عبرت، گذشت، بخشندگی، پهلوانی، منش و یک کلام، انسانیت، به خوبی و زیبایی یاد دادید.

ضمن اینکه الان شما دیگر چندین "احمدرضا" دارید که به هر کدام از آنان بنگرید؛ وجود گرم، صمیمی و نازنین آن عزیز را با افتخار و بزرگی حس و لمس خواهید کرد.

شیرمردی که علیرغم جوانی و ناکامی اما حتی در هنگامی که به اندیشه کوچ می بست رخت، بسان درخت تنومندی عمل نمود که هم سایبانش گسترده به عشق گردید و هم میوه هایش پرورده به شور شد.

می ستاییم وجدان، شرف، درک، شعور، بخشندگی، بزرگی و انسانیت شما را و هزاران درود می فرستیم به روح پاک آن "زنده یاد نامی" که با خاموشی چراغ زندگی خود اما باعث روشنی بخشی بسیاری از خانه ها گردید و جان چندین نفر را حیات بخشید.

زبان حال مادر؛
گفتم که چرا رفتی و تدبیر نه این بود گفتا چه توان کرد که تقدیر چنین بود
گفتم که نه وقت سفرت بود چنین زود گفتا که مگو، مصلحت حق چنین بود.

آری؛ قسمت او چنین بود و تقدیر برایش ترسیم کرده بود که حتی وقت کوچ هم به مانند ۱۷ سال عمر کوتاهش باید مهرورزی بخشد و به همنوعان خود یاری رساند تا به نوعی هم بودنش را همیشه حس نمود و هم با نجات چندین انسان دیگر و خرسندی آنها، مُسکنی سازد برای التیام درد و سوز دل پدر و مادر داغدارش!

و زبان حال پدر:
ای بغض فرو خفته مرا مرد نگه دار
تا دست خداحافظی‌اش را بفشارم
درد اگر در دل من جاری نیست، باد اگر با بدنم کاری نیست.

من درختم، سبز، آزاد، بلند، سایبانم همه گسترده به عشق، میوه هایم همه پرورده به شور.
حس بخشندگی ام، همه میراث نهالی است که از دست محبت افتاد.
آب؛ آرام مرا جان بخشید، و من از پرتوی بی وقفه ی خورشید توانا گشتم.
و محبت در من؛ شیره از خاک گرفت.
من درختم؛ آری، زاده حس سخاوت در خاک، در آب، خورشید محبت افشان ...
دوستم؛ همسفرم، همراهم، فکر فردای جهان گر هستی، تخم بخشندگی و مهر بکار ...

نسیم جنوب
اجتماعی
شماره ۸۵۵ یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

اگر برجام نداشتیم دقیقا چه داشتیم؟

مصطفی دانده



این روزها باز هم مخالفان برجام در داخل ایران شمشیر خود را برای توافق هسته‌ای از رو کشیده‌اند. آنها از روی کارآمدن ترامپ استفاده و شروع به تاختن دوباره به برجام کردند.
حق هر فردی است که به یک تصمیم و استراتژی دولت و هر نهاد دیگری اعتراض کند. دوستان دلواپس از برجام راضی نیستند اما باید به مردم بگویند اگر ایران به برجام نرسیده بود الان در کدام نقطه ایستاده بود؟ شرایط ایران بهتر از وضع موجود بود یا بدتر؟
شرایط ایران قبل از برجام برای همه مردم ایران قابل لمس بود. ایران نمی‌توانست نفت بفروشد. انتقال کالا و پول به ایران متوقف شده بود. ایران به سمت وضعیت نفت در برابر غذا حرکت می کرد.
هاشمی رفسنجانی شرایط سخت فروش نفت ایران در آن زمان را اینگونه روایت کرده بود: «سیاست غربی‌ها این بود که ما را به نفت در برابر غذا برسانند. چون به نفت ما احتیاج بود، می‌خواستند این را حفظ کنند و داشته باشند و ما هم احتیاج به غذا داشتیم و در مقابل آن، به ما غذا بدهند. کاری که در عراق کردند.»
تحریم‌های کمرشکن ایران را محاصره کرده بود. وضعیت ایران در دولت قبل از روحانی سخت تر از شرایط جنگ و بعد از آن برای مردم بود. ناگهان قیمت‌های کالاهای اساسی و مصرفی در ایران به دلیل تحریم‌ها و سه برابر شدن قیمت دلار، افزایش چشمگیری داشت.
برجام ایران را از این شرایط خارج کرد. ایران امروز راحت نفت می‌فروشد و پول آن را دریافت می‌کند. عراقچی می گوید: «امسال ۴۰ میلیارد دلار نفت فروخته‌ایم که همه پولش هم از طریق بانک به حساب بانک مرکزی وارد شده و بسیار شفاف و روشن است.»
مخالفان برجام باید بگویند آیا می‌خواستند همان سیاست‌های قبل از روحانی را ادامه دهند؟ یا می‌خواستند به سمت مذاکره بروند؟
روش قبلی که تماما سختی و مشکلات برای مردم بود و مذاکره هم همان کاری است که روحانی کرده است. البته در زمان قبل از حضور ظریف هم مذاکره می‌شد اما توافق و رسیدن به زبان مشترکی وجود نداشت. بیشترین توافق بر سر محل بعدی مذاکرات هسته‌ای بود. روزی دوشنبه، روز بغداد و روز دیگری استانبول و مسقط.
دلواپسان برجام بگویند اگر برجام نبود و این دوستان سرکار بودند و ترامپ به قدرت می‌رسید چه برنامه‌ای برای اداره کشور داشتند. امروز بسیاری از کشورهای جهان به واسطه برجام، مقابل آمریکا ایستاده‌اند اما آیا اگر این آقایان در قدرت بودند باز هم اتحادیه اروپا حاضر بود برای حفظ رابطه خود با ایران در برابر زیاده خواهی‌های ترامپ بایستد.
عرصه بین‌الملل را ببینند. امروز همه برای مقابله با کره شمالی پشت ترامپ ایستاده‌اند. دقیقا همان کاری که می‌توانست برای ایران بدون برجام شکل بگیرد.
زمانی کشورهای جهان می‌گفتند ایران مانع رسیدن به توافق هسته‌ای و صلح است. امروز همان کشورها آمریکا را مانع صلح جهان معرفی کنند. این یعنی دستاورد بزرگ برجام. مگر ما نمی‌خواستیم آمریکا در جهان تنها شود. بعد از برجام این اتفاق افتاد.
به نظر می‌رسد این دوستان فقط از برجام انتقاد می‌کنند و هیچ جایگزینی برای آن ندارند. همانطور که در جریان انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم هیچ راهکاری برای برنامه هسته‌ای ایران نداشتند.
بهتر است همه پشت برجام باشیم تا گره‌های بیشتری از دست و پای ایران باز شود.



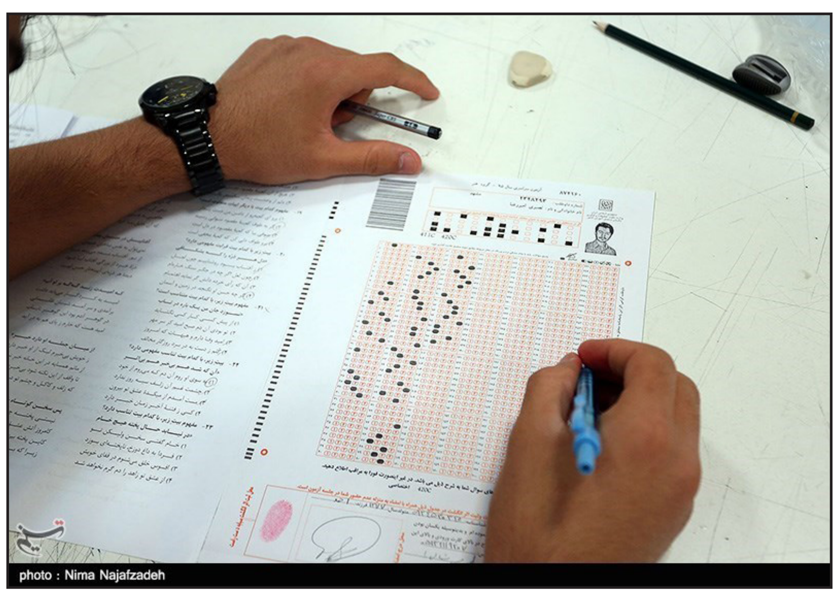
منبع: عصر ایران

مصاحبه نسیم جنوب با امیرحسین کازرونی از نفرات برتر کنکور ۹۶ استان بوشهر:

بهترین رقیب برای پیشرفت درسی هر کس، خود اوست



–لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید؟
با سلام به خوانندگان هفته نامه نسیم جنوب، امیرحسین کازرونی هستم. در دبیرستان شهید بهشتی بوشهر در رشته ریاضی فیزیک تحصیل می کردم.
– تدریس معلمان چه تأثیری روی رتبه شما داشت؟
– خوشبختانه در دبیرستان دبیران خوب و با تجربه ای داشتم و توانستم از بار علمی آن ها بهره بگیرم.
– در منطقه چند امتحان دادید و چه رتبه ای بدست آوردید؟
– رتبه ی ۴۹۹ در منطقه ۲ کسب کردم.
– آیا انتظار چنین رتبه ای را داشتید؟
– با توجه به تلاش هایم انتظار رتبه بهتری از خودم داشتم.
–آیا کلاس کنکور می رفتید؟
– بله، برای برخی دروس تخصصی به کلاس می رفتم.
–چه برنامه ریزی درسی برای کنکور داشتید؟
– با راهنمایی های مشاور و دوستان کنکوری سال های گذشته ام توانستم برنامه ریزی مناسبی داشته باشم.
–از چه منابعی برای هر درس استفاده می کردید و چگونه به این منابع دسترسی پیدا کردید؟
– از منابع معتبری که توسط دوستان و مشاورم معرفی شده بود استفاده کردم.
– اگر دوباره کنکور بدهید سعی می کنید چه اشتباهاتی را دوباره تکرار نکنید؟
– اینکه به دروس عمومی اهمیت بیشتری قائل می شدم.
– آیا با کسی هم رقابت داشتید؟
– به نظر من بهترین رقیب برای پیشرفت درسی هر کس، خود اوست.
– روش مطالعه خود برای هر درس را برای کنکور به طور خلاصه توضیح دهید؟
– به طور کلی ابتدا کتاب را مطالعه می کردم و سپس از منابع تستی که داشتم استفاده می کردم.
– شما مشاور درسی هم داشتید؟
– جا دارد در همین جا از مشاور خود جناب آقای محسن قاسمی که همواره مرا در این راه قدم به قدم یاری کرد تشکر کنم.
– آیا در آزمون های آزمایشی شرکت داشتید؟
– بله، در آزمون های آزمایشی کانون قلمچی شرکت می کردم و تأثیر مثبتی در آمادگی ام برای کنکور داشت.
–اگر در طول درس خواندن خسته می شدید، چکار می کردید؟
– اگر خسته می شدم وقت خود را با خانواده سپری می کردم.
– بیشتر تمرکز شما روی چه درسهایی بود؟
– بیشتر تمرکز من روی دروس اختصاصی از جمله ریاضی و فیزیک بود.
– خانواده و والدین نسبت به درس خواندن کنکور شما چه برخورد و رفتاری داشتند؟
– خانواده ام از من خیلی حمایت می کردند و به معنای واقعی سعی می کردند محیطی مناسب را برای درس خواندنم فراهم کنند.
– چند ساعت در هفته را به تفریح اختصاص داده بودید؟
– سعی می کردم در کنار درس هایم ساعاتی را برای تفریح در نظر بگیرم.
– درسهای پایه و عمومی چه تأثیری روی رتبه شما داشته؟ چه زمانی بهترین زمان برای مرور این درسهاست؟
– دروس اختصاصی نسبت به دروس عمومی تأثیر مثبتی روی رتبه ام داشتند و اینکه روزهای پایانی به دلیل اهمیت فوق العاده ای که داشتند به صورت خیلی جدی آن ها را مرور می کردم.
– چند راهکار اختصاصی که به شما کمک کرده را به داوطلبان آینده هم بگویید؟
– اینکه به دروس عمومی توجه بیشتری کنند و بیشتر وقت خود را به تست زدن بپردازند.
– تقسیم بندی مطالعاتی شما چطور بود و چه مقدار را به تست زدن و مطالعه می پرداختید؟
– همانطور که گفتم با توجه به برنامه ریزی که مشاورم انجام داده بود بیشتر به تست زدن می پرداختم.

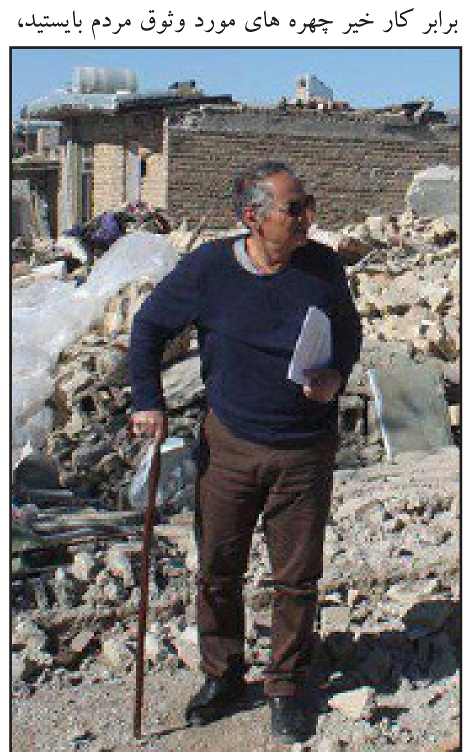


– چه دروسی روی رتبه کنکوری شما تأثیر زیاد داشته است؟
– دروس اختصاصی (ریاضی).
– روزهای پایانی کنکور را چه کار می کردید؟
– برای دستیابی به موفقیت با جدیت بیشتری به تلاش خود ادامه می دادم.
– مهمترین چیزی که به موفقیت شما در کنکور کمک کرده چیست؟
– عوامل زیادی در موفقیت من کمک بسزایی کردند از جمله خانواده عزیزم، مشاور مهربانم و استادان گرامی ایم از جمله آقای حاجی میرزایی و آقای رشیدپور که از همین جا کمال تشکر را از آنها دارم.
– سخن پایانی؟
– در آخر باید تشکر ویژه ای داشته باشم از مدیر دلسوزم آقای تنگستانی عزیز که برای موفقیت ما از هیچ کوششی فروگذار نکرد و جا دارد در این جا از مادر مهربانم که در همه ی لحظات مرا یاری کرد قدردانی و تشکر کنم و این بیت تقدیم به مادر عزیزم:
مادر دانا کند فرزند دانا تربیت
هر که به هر جا رسد از اهتمام مادر است

زلزله "زیباکلام" بر جان مسؤولان؛

چرا از "دهکده امید" می ترسند؟!

جعفر محمدی: زلزله ۷,۲ ریشتری کرمانشاه، برای برخی مسؤولان، یک مصیبت به تمام معنا بود؛ نه از این روی که هموطنان شان زیر آوار ماندند و بی خانمان شدند، بلکه به این دلیل که این زمین لرزه، مانند زلزله روز قیامت که متون دینی، آشکارکننده اسرار است، برملا کننده بی کفایتی بسیاری از مسؤولانی بود که ۱۲ ماه سال از بیت المال ارتزاق می کنند تا در روز مبادا به داد مردم برسند. اما چون روز حادثه فرا رسید، مستأصل تر از همه کسانی بودند که قرار بود بحران را مدیریت کنند.
این استیصال، نه فقط در کرمانشاه که حتی در پایتخت هم برملا شد، چندان که با یک بارش پیش بینی شده چند ده سانتی متر، تهران و اطراف آن، حتی شاهراه های حیاتی فلج شدند و برای روزها، زندگی عادی میلیون ها نفر در دو استان تهران و البرز مختل شد!
اما مصیبت بارتر از زلزله کرمانشاه برای مسؤولان، زلزله "صادق زیباکلام" بود که مردم به او اعتماد کردند و بیش از ۳ میلیارد تومان پول نقد به حسابش ریختند تا خرج زلزله زدگان کند. زیباکلام
زیباکلام می توانست یا این مبلغ را خرج امور روزمره زلزله زدگان کند و برایشان چادر و آب معدنی و پتو بخرد یا به ساخت خانه هایی که ویران شده اند همت بگمارد.
او که در واقع، وکیل معتمد هزاران نفری است که پول به حسابش ریخته اند، دومی را برگزید.
مشکل اما اینجا بود که نگاه این استاد دانشگاه تهران، با نگاه سنتی مسؤولان یکسان نبود. تمام بازسازی هایی که تا قبل از این در پی حوادث پیشین انجام گرفته، سرهم کردن خانه های ویران شده بود و دیگر هیچ. اما زیباکلام یکی از روستاهای سرپل ذهاب را که کاملاً ویران شده است، را برای بازسازی برگزید و گفت که با مشورت استادان دانشگاه و مردم محل، تصمیم دارد این روستا را به طور اصولی بازسازی کند، مثلاً روستا نقشه جامع داشته باشد، از هدر رفت آب در آن جلوگیری شود، آبگرمکن های خورشیدی بر پشت بام خانه ها نصب شود و ... .
اینجا بود که تن مسؤولان با زلزله ای بیش از ۷,۲ ریشتر لرزید. اگر زیباکلام که بر خلاف مسؤولان، پول و بودجه از بیت المال نمی گیرد و ادعایی هم ندارد بتواند با کمک مردم این کار را انجام دهد، آنگاه آیا مردم از مسؤولان نخواهند پرسید پس چرا شما تا کنون چنین نکرده اید؟
آنگاه شروع کردند به جوسازی علیه زیباکلام که اصلاً چه حقی داری برای مردم خانه بسازی؟ باید پول ها را به ما بدهی تا خودمان برای مردم خرج کنیم و ... حتی تهدیدش کردند که علیه او اقدام قضایی هم خواهند کرد!
این دسته از مسؤولان، البته به روی خودشان نمی آورند که اگر مردم آنها را لایق می دانستند، کمک هایشان را به جای آن که به معتمدانی چون زیباکلام و علی دایی و ... بدهند، به آنان پرداخت می کردند.
این دقیقاً همان نقطه ای است که برخی افراد و جریان ها دچار سوزش شده اند و این روزها، با بستن چشم های خود بر کمک هایی که کامیون کامیون توسط چهره ها به کرمانشاه ارسال می شد، می گویند خبری از کمک های آنان نیست!
باید به این مسؤولان گفت که به جای این که در برابر کار خیر چهره های مورد وثوق مردم بایستید،



اگر زیباکلام در ساخت دهکده امید موفق شود، الگوی بازسازی در کشور تغییر خواهد کرد و این برای مسؤولانی که عاشق سه گانه "کلنگ زدن – سر هم بندی – روبانِ افتتاح را قیچی کردن" هستند، اصلا خبر خوبی نیست.

در برابرشان تعظیم کنید چرا که بخشی از بی کفایتی های شما را جبران می کنند. مگر امثال زیباکلام و علی دایی نمی توانستند در ایام بعد از زلزله، مبلغی به حساب هلال احمر واریز کنند و وجدان شان را آسوده نمایند و به زندگی شخصی شان بپردازند؟ اگر چنین می کردند، کسی با آنها کاری نداشت ولی حال که از زمان و توان شان را برای کمک به همنوعان خود گذاشته اند، شلاق بی اخلاقی است که بر سر و رویشان باریدن گرفته است!
یکی از نشانه های انحطاط این است که افراد دلسوزی که کاری برای جامعه می کنند، به جای آن که قدر بینند و بر صدر نشینند، مجبور به پرداخت هزینه می شوند.
زیباکلام نام پروژه ای که برای بازسازی روستای تخریب شده انجام می دهد را "دهکده امید" گذاشته است و برخی مسؤولان برای تخطئه کار او می گویند که در برنامه کاری شان ایجاد "دهکده امید" را ندارند و فقط می‌خواهند بازسازی کنند.
واقعاً استدلالی از این بی پایه تر؟ مگر در پروژه دهکده امید قرار است چیزی جز بازسازی اتفاق بیفتد؟ جز این که قرار است این روستا، آدمیزادی و رو به آینده بازسازی شود.
قطعاً اگر زیباکلام پول هایی که مردم به او داده اند را به حساب دولتی ها بریزد تا مسؤولان دولتی درباره نحوه هزینه آن تصمیم بگیرند، به موکلانش خیانت کرده است. مردم پول ها را به کسی داده اند که در پی یک شناخت دهها ساله، به صداقتش اعتماد کرده اند. آنها در حالی زیباکلام را برای کمک رسانی برگزیدند که درست در لحظه واریز پول، می توانستند به انواع حساب های دولتی و عمومی هم پول بریزید.
مسؤولان دولتی و عمومی بهتر است به جای آن که اعتماد جامعه به چهره های شاخص اجتماعی را خدشه دار کنند و بر باقی مانده سرمایه اعتماد در جامعه، تیر خلاص بزنند، بهتر است در رفتارهای خود تجدید نظر کنند و اعتماد از دست رفته به نهادهای عمومی را احیا کنند.
اگر زیباکلام در ساخت دهکده امید موفق شود، الگوی بازسازی در کشور تغییر خواهد کرد و این برای مسؤولانی که عاشق سه گانه "کلنگ زدن – سرِ هم بندی – روبان افتتاح را قیچی کردن" هستند، اصلاً خبر خوبی نیست چرا که سطح نگاه مردم به بازسازی ارتقا می یابد و سرهم بندی کردن، دیگر جواب نمی دهد.
هم از این روست که کاملاً قابل پیش بینی است که کارشکنی ها در ساخت دهکده امید، استمرار یابد تا هم زیباکلام را از کار خیری که کرده پشیمان و حتی بدنام کنند و هم دیگران را از ورود به چنین امور عام المنفعه ای در آینده منصرف کنند؛ از رویکرد انحصارطلبی، چیزی جز این در نمی آید.
منبع: عصر ایران

رقابت های ورزشی بین مدارس، حلقه مفقوده آموزش و پرورش

حمید حیدری

اکنون که به گذشته رقابت های ورزشی بین مدارس استان می اندیشم، هاله ای از غم و تأسف وجودم را در بر می گیرد. اوج هیجان میان شاگردان نوجوان و جوان هم استانی در برخی از ماه های سال به عرش می رسید. شهرستان ها با اعزام تیم های خود به مرکز استان، دوشادوش بچه های بوشهری در رقابت هایی پرشور حضور بهم می رساندند. کسی به دنبال پست و مقام و شهرت و اعتبار نبود. بچه های مدارس هم تنها در جستجوی ورزش و سلامتی بودند. غذا، مرغ بریان و گوشت آهو یا گوزن با سالاد فصل باشد، معنایی نداشت. جای خواب روی تخت و تشک باشد و یا نباشد برای دانش آموزان مفهومی نداشت. آنان حتا حاضر بودند روی زمین سفت و ناهموار بخوابند! فوتبال، والیبال، بسکتبال و ... بین دانش آموزان هم استانی رونقی تمام و کمال داشت. آیا از تیم رویایی بسکتبال نونهالان بوشهر در اواخر دهه ۶۰ که گوی سبقت را از استان های تهران، اصفهان و فارس می ربود، در خاطرات باقی مانده است؟ نونهالانی که با امتیازات بالا و برتری بی چون و چرا حریفان را با شکست بدرقه می کردند. اما در ادامه چه پیش آمد؟!
هنوز به یک سال نکشیده این نونهالان توانمند همچون برگ های خزان شده پاییزی روی زمین ریخته و به بوته فراموشی سپرده شدند!! اکنون از بسکتبال بوشهر تنها یک نام به یادگار مانده است و بس!!
با این سابقه از ورزشکاران بوشهری چه انتظاراتی می توان داشت!؟ متولیان ورزش در استان چه کسانی هستند؟ آیا اداره ورزش و جوانان در استان خود به تنهایی می تواند جوابگوی خیل عظیم دوستداران ورزش دوست هم استانی باشد؟ برای اعتلای نام بوشهر در کشور باید آستین ها را بالا زد. با حرف و حدیث نمی توان ره به جایی برد. من باشم یا نباشم، باید جای خود را به ما بدهد. یک دستورالعمل جمعی بین نهادها و تمامی ارگان های ذیربط ورزش در استان باید به میدان بیاید.
چنانچه هر نهادی گوشه ای از کار را برعهده بگیرد، تیم های ورزشی در استان در تمام سنین می توانند حرف های بسیاری برای گفتن در کشور داشته باشند. در این صورت اکثریت رشته های ورزشی می توانند به استعدادیابی و پرورش آنان همت گماشته و جایگاه بوشهر در ورزش کشور به رتبه ممتاز دست یابد.
مسئولین استان باید بدانند مردم بوشهر و فرزندان آنان توقع چندانی ندارند. همین که توجه اندک به نسل آینده شود، راضی کننده است!
آموزش و پرورش اگر می خواهد نسل آینده، نسلی شاداب، پربار و دارای جسم و روحی سالم باشد، باید همت خود را بکار بسته و با مخارج اصولی و بهینه، کمر خدمت به نسل آتیه را ببندد. نگاهی به گذشته پربار در کنار ثبت طرح های ابتکاری جدید می تواند حلقه مفقوده آموزش و پرورش در کیفیت بخشی به رتبه های ورزشی مدارس استان در سطح کشور باشد. برای کسب موفقیت های ورزشی، نه تنها آموزش و پرورش، بلکه باید تمامی دلسوزان به پیشرفت و اعتلای نام استان در سطح کشور، آستین همت را بالا بزنند. رسیدگی و دلسوزی به وضعیت آینده سازان استان، می تواند اولین حرکت در جهت بالندگی و پیشرفت نسل آتی گردد.

با حضور سرپرست کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل

دبیرستان شهید مجید بشکوه در بوشهر به بهره‌برداری رسید

با حضور سرپرست کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، دبیرستان شهید مجید بشکوه در بوشهر به بهره‌برداری رسید.
به گزارش خبرنگار مهر، دبیرستان شهید مجید بشکوه با حضور سرپرست کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در جمهوری اسلامی ایران و نمایندگان دیپلماتیک کشورهای نروژ، کره جنوبی و فرانسه در شهر بوشهر افتتاح شد.
مدیرکل امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری استان بوشهر در این آئین اظهار داشت: بسیار خرسند هستیم و امروز را یک روز خوب می‌دانیم و روز شیرینی برای ما است که یک مرکز آموزشی را افتتاح می کنیم.
عبدالرضا بشیری اضافه کرد: ما تمام کشورهای دنیا را حلقه‌های به هم پیوسته می‌دانیم و معتقدیم که در هر نقطه‌ای از دنیا اگر آموزش به صورت صحیح انجام شود جهانی امن تر خواهیم داشت.
وی ادامه داد: در زبان فارسی یک ضرب المثل داریم با این عنوان که وقتی در یک مدرسه باز می‌شود در یک زندان بسته خواهد شد و آموزش را اساسی‌ترین و واقعی ترین کار می‌دانیم.
مدیرکل امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری استان بوشهر افزود: پیامبر معظم اسلام(ص) می‌فرمایند که ز گهواره تا گور دانش بجوی به این معنی که ما همیشه و در همه سن و سال نیاز به آموزش داریم.
دبیرستان شهید مجید بشکوه توسط وزارت آموزش و پرورش تحت نظارت اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران و کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان احداث شده است.
اعطا کنندگان این مدرسه جمهوری چک، موسسه آموزش کودک، اتحادیه اروپا، فرانسه، آلمان، ژاپن، جمهوری کره، نروژ و فدراسیون روسیه هستند.

۶ نسیم جنوب

زندگی

شماره ۸۵۵ یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۶

NASIM JANOUB

ازدواجهایی که ریسک بالاتری دارند



بر اساس مشاوره های صورت گرفته، ازدواجهایی که با شکست روبرو بوده یا در مرحله آشنایی بهم خورده اند وجوه مشترک زیادی با یکدیگر داشته اند که بر اساس دسته بندی به ۸ دسته طبقه بندی می شوند، لذا شایسته است افرادی که جهت آشنایی و ازدواج جزء این دسته بندی ها هستند محتاط تر عمل کنند.

دسته اول:
ازدواج هایی که قبل از ۲۵ سالگی آقایان و قبل از ۲۳ سالگی خانم ها صورت پذیرفته:
– با توجه به عدم ثبات معیارهای انتخاب همسر، عدم شناخت فردی و شرایط پیرامون، عدم استقلال فکری، مالی و ضعف تصمیم گیری، انتخابهای احساسی و عدم شناخت کافی از جنس مخالف، این دسته از ازدواج ها یکی از پر ریسک ترین نوع ازدواج ها به شمار می رود و افرادی که در این رده سنی تصمیم به ازدواج و طی مراحل آشنایی دارند لازم است آموزشهای لازم را جهت ارتباط و شناخت صحیح کسب نمایند و با مشاور و راهنمایی خانواده ها نسبت به آن اقدام نمایند.

دسته دوم:
ازدواج به علت نیاز جنسی
اگر چه بخش اعظم دلیل ازدواج مردان می تواند به منظور تأمین غریزه جنسی آنها باشد و این حق عرفی و شرعی آنهاست، اما نیاز جنسی نباید تنها دلیل ازدواج باشد چرا که پس از تأمین شدن آن فشار حاصل از شرایط پیرامون زندگی و مسئولیت پذیری و عدم برنامه ریزی می توانند باعث شکست در ازدواج شود.

دسته سوم:
ازدواج تحمیلی
– ازدواجهایی که به طرفین از سوی خانواده یا بر اساس رسم و رسومات تحمیل می شود و بعضا ازدواجهای فامیلی می باشند که علاوه بر اینکه درصد شکست در این دسته از ازدواجها زیاد است، می تواند باعث گسترش خیانت های جنسی و عاطفی زوجین نسبت به یکدیگر شود همچنین باعث سرخوردگی و ضعف در استقلال فکری و تصمیم گیری افراد شود.

دسته چهارم:
ازدواج هایی که بواسطه ظاهر و موقعیت اجتماعی طرفین صورت می پذیرد.
– اگر چه انسان مجذوب زیبائی ها می شود و نمی تواند به ظواهر بی اهمیت باشد اما از آنجایی که ظاهر در ابعاد مختلف در گذر زمان عادی می شود و پس از سایر خصوصیات که اکثرا باطنی هستند نمود می کند لذا با توجه به تجارب مشاورین توصیه می شود زیبایی ظاهری در کنار سایر خصوصیات فردی و شخصیتی افراد ملاک انتخاب همسر باشد نه تنها دلیل انتخاب.

دسته پنجم:
ازدواجهایی که در آن زن نسبت به مرد برتری دارد
– مسئله این نیست که خانم ها ظرفیت برتری نسبت به آقایان ندارند بلکه یکی از دلایل درونی خانم ها جهت ازدواج نیاز به یک تکیه گاه قوی است پس در ازدواج شایسته است مرد در چند عامل برتری داشته باشد:
۱– سن (بیشتر بودن سن مرد نسبت به زن)
۲– وضعیت اقتصادی و وجه اجتماعی (بالا بودن جایگاه شغلی مرد و درآمد وی)
۳– قد (شایسته است مرد از زن بلندتر باشد همچنین در احادیث پیامبر(ص) در مورد ازدواج در این مورد نیز توصیه شده است)

دسته ششم:
ازدواج های راه دور
– شناخت صحیح یکی از ارکان اصلی جهت انتخاب شایسته همسر است و در شناختهایی که دو طرف نسبت به یکدیگر در فاصله مکانی دوری قرار گرفته اند بخش اعظم ارتباط بوسیله اینترنت، تلفن و یا پیامک صورت می گیرد که این سطح از شناخت نمی تواند قابل اکتفا جهت اتخاذ مهمترین تصمیم زندگی افراد باشد، همانطور که در مشاوره های صورت گرفته این مسئله نمود کرده است لذا حتی المقدور حتی با توجه به شرایط سختی دوری راه، در صورتی که دو طرف میل به شناخت و ازدواج دارند لازم است این ارتباط حتما با اطلاع خانواده ها همراه باشد و شرایط به گونه ای باشد که دو طرف بعد از هر ۱۰ دفعه مکالمه تلفنی یک دیدار حضوری داشته باشند.

دسته هفتم:
ازدواج هایی که دو خانواده دارای دو فرهنگ مختلف هستند
– خانواده مهمترین نقش در تربیت فرد بازی می کند، اختلافات خانوادگی زمانی بیشتر می شود که دو خانواده آداب و رسوم و فرهنگ مختلفی داشته باشند معمولا این اختلافات شامل: اختلاف بر سر مهریه – اختلاف بر سر مراسم – اختلاف در زمینه دخالت های خانوادگی – اختلاف سلیقه لذا فشار روحی و استرس زیادتری بر طرفین وارد می شود، حتی المقدور شایسته است وصال با خانواده ای هم فرهنگ صورت پذیرد.

دسته هشتم:
ازدواجهای اینترنتی
– ازدواجهای اینترنتی پدیده ای که روبه افزایش است و متاسفانه باعث افزایش آمار طلاق شده است، شناخت اینترنتی نمی تواند به هیچ وجه شناختی صحیح باشد و بواسطه تایپ و درج کلمات به سطح مناسبی از شناخت نسبت به فرد مقابل دست یافت از این رو درصد ریسک در ازدواج های اینترنتی بسیار بالا می باشد.

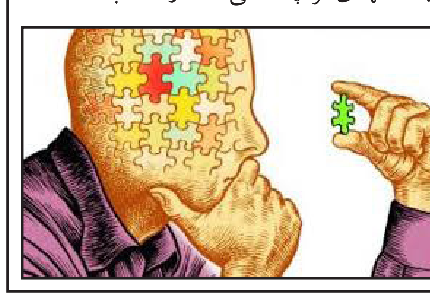
منبع: کانال آکادمی روانشناسی بالینی

خودگویی‌های مؤثر

بیست عبارت زیر به شما کمک می‌کنند تا با مشکلات زندگی به طرز دیگری برخورد کنید. ممکن است نتوانید گذشته را کنترل کنید، اما می‌توانید شرایط امروز و فردای خود را کنترل کنید.

۱. من شکست نخوردم. رفتارم شکست خورد.
۲. می توانم از شکستم پند بگیرم.
۳. شکست می تواند مرا به چالش بکشد.
۴. می توانم بیشتر سعی کنم.
۵. شاید این شکست نبود.
۶. می توانم به رفتارهای دیگر که می تواند موفق شود، دقیق شوم.
۷. می توانم به آن‌چه کنترل کنم، دقیق شوم.
۸. نیازی به موفقیت در آن کار وجود نداشت.
۹. رفتارهایی بودند که فایده‌ای در برداشتند.
۱۰. هر کس در کاری شکست می خورد.
۱۱. شاید کسی متوجه نشد.
۱۲. آیا هدف درستی داشتم؟
۱۳. شکست، مهلک نیست.
۱۴. آیا معیارهای بیش از اندازه سخت‌گیرانه داشتم؟
۱۵. آیا بهتر از قبل بودم؟
۱۶. هنوز می‌توانم کارم را مثل گذشته‌ها انجام بدهم، این یکی با مشکل رو به رو شد.
۱۷. شکست خوردن در کاری معنایش این است که من سعی خودم را کردم. بدتر از آن سعی نکردن است.
۱۸. تازه شروع کرده‌ام.
۱۹. فردا، روز موفقیت دیگری است.
۲۰. فردا، همین امروز است.

منبع: درمان نگرانی – نوشته: رابرت لی‌هی
ترجمه: مهدی قراچه داغی–انتشارات شباهنگ



باورت را عوض کن نه همسرت

آرون بک از روانشناسان معروف معتقد است که مهمترین علت مشکلات زناشویی و روابط انسانی، سوءتفاهم و خطاهای فکری و باورهای غیر منطقی است.

به اعتقاد او تفاوت در نحوه نگرش افراد باعث بروز اختلاف میان همسران می شود همچنین او معتقد است که یکی از مهمترین علل اختلافات زناشویی انتظارات متفاوت زن و شوهر از نقش یکدیگر در خانواده است.

– گاهی باورهای غیر منطقی شامل ارزشها و اعتقادات مذهبی، فرهنگی و خانوادگی است که در روش تربیتی از والدین و اطرافیان به فرد منتقل شده و طرفین هر کدام این باورها را با خود به خانه همسر آورده اند و این باورها را وحی منزل می دانند و به عنوان باورهای درست آنها را پذیرفته و خود را مجاب می کنند آنها را در زندگی زناشویی به کار ببندند. همین اصرار و پافشاری بر انجام این قبیل باورها زمینه ی اختلافات در روابط را فراهم می سازد.

دو نمونه از باورهای غیر منطقی که می توانند زندگی ما را نابود کنند:

۱– ذهن خوانی:
همسران باور دارند بدون نیاز به گفتن و اظهار کردن خواسته ها و انتظارات، طرف مقابل باید از احساسات، افکار و نیازهای آنها آگاهی داشته باشد و به آنها بها بدهد.

۲– برچسب زنی:
وقتی زن و شوهرها از عشق و شیفتگی فاصله می گیرند، هر حادثه دلسرد کننده ای برای توجیه برچسب زدن منفی به همسرشان کافی به نظر می رسد.

– زدن برچسب منفی مثل: تو تنبلی، عقب افتاده ای، تحقیر کننده ای، نامهربانی، بی احساسی، بی ادبی، بی شخصیتی، بیماری و... بعد از هر جر و بحثی بین همسران باعث می شود اعتماد به نفس طرف مقابل کاهش یافته و همسر او یک فرد ایرادگیر و ناسازگار تلقی شود که خود را بهتر از طرف مقابل می داند و مانع پیشرفت فرد مقابل می شود.

– مرکز مشاوره دانشگاه تهران



انواع نشخوار فکری

نشخوار فکری یک عادت بد ذهنی است که موجب تمرکز فرد بر مشکلات و بروز علائم پریشانی می شود و این حالت، احساسات منفی را تشدید می کند.

۱– افسرده ساز:
– زمانی که وقایع ناگوار را پیوسته در ذهن زیر و رو می کنیم و همواره خود را مقصر می بینیم و خود را سرزنش می کنیم. البته احتمال دارد واقعا هم مقصر باشیم ولی بهتر از نشخوار فکری درس گرفتن از اشتباه، ثبت آن و رها کردن ماجراست.

۲– خشم برانگیز:
– زمانی که در نشخوار فکری خود دنبال مقصر می گردیم نقش قربانی را می پذیریم، یا معتقدیم حق مان پایمال شده است.
– در این موارد اگر واقعا حقی از شما ضایع شده بهتر است مهارت جرأت ورزی و ارتباط مؤثر را بیاموزید و به جای آنکه در ذهنتان بارها طرف مقابل را محاکمه کنید یا برعکس با غرغر و انتقاد سوهان روح اطرافیان شوید، با آرامش، ناراحتی خود را عنوان کنید. البته گاه جا دارد با گذشت از کنار مسئله رد شوید اما از یاد نبرید گذشت از سر بزرگواری کینه نمی آورد. آن را با سکوت از سر درماندگی اشتباه نگیریم چنین سکوتی کینه و نفرت را در سینه پرورش می دهد.



۳– وسواس گونه:
– زمانی که مصرانه درصدد یافتن جواب سوالات بی پاسخ بر می آییم یا سوالاتی که پاسخ آنها به راحتی در دسترس قرار ندارد و رسیدن به آنها مقدمات علمی جدی لازم دارد. مثل سوالات فلسفی... مثل اینکه اول مرغ بوده یا تخم مرغ ... سوالاتی از قبیل ابتدا و انتهای خلقت ... در این موارد اگر همت دانش آموختن نداریم بهتر است به کارهای جدی زندگی مشغول شویم و خود را با کلاف سردرگم این مسائل گیج نکنیم.

– مرکز مشاوره دانشگاه تهران

شاخص های خانواده های قوی (مستحکم)

هیچ راه مشخصی برای ایجاد خانواده بی عیب و نقص وجود ندارد. خانواده کامل، وجود خارجی ندارد. اما تحقیقات اولسون و همکارانش روی خانواده های قوی ۶ شاخصی را که در خانواده های شاد و از نظر عاطفی سالم هستند نشان می دهد:

–پایبند به خانواده
– قدردانی و محبت نسبت به یکدیگر
– ارتباط مثبت
– وقت گذرانی لذت بخش با یکدیگر در زمان های مناسب
– احساس سلامت معنوی
–توانایی تحمل فشارها

– منبع: کتاب "مهارتهای ازدواج و ارتباط زناشویی کارآمد"
نوشته: دیوید اچ. اُلسون و همکاران
ترجمه: احمدرضا بحیرایی، دکتر نادر فتحی

روزمرگی‌های سالم برای تقویت ذهن



متاسفانه سلامت ذهن و روان همچنان عنصری ناشناخته برای اغلب مردم است. به گزارش پایگاه msn، راه‌های روزمره و بسیار ساده برای داشتن یک ذهن سالم از این قرارند:

۱– صبحانه خوردن: صبحانه منجر به بهبود عملکرد شناختی، حافظه و تمرکز بهتر می‌شود. شکی نیست که صبحانه بهترین غذا برای مغز است.

۲– نوشیدن چای سبز: یکی از سالم‌ترین نوشیدنی‌ها که سرشار از آنتی اکسیدان و آلکالوئیدها است و به عملکرد مغز کمک می‌کند، چای سبز است. این نوع چای به کاهش سطح افسردگی و استرس نیز کمک می‌کند.

۳– حل پازل: وقتی روی روال حل پازل می افتید، به سادگی می‌توانید ذهن خود را فعال نگه دارید و قدرت حافظه خود را بهبود بخشید.

۴– مصرف آنتی اکسیدان ها: آووکادو، اسفناج، کلم بروکلی، مارچوبه، چغندر، و ... سرشار از آنتی اکسیدان ها هستند و می‌توانند به بهبود تمرکز، حل توانایی مسئله و حافظه کمک کنند. آنتی اکسیدان ها به کند کردن روند پیری مغز معروفند.

۵– خواب کافی: خواب مناسب با ذهن سالم در ارتباط مستقیم است و در عوض کمبود خواب توانایی‌های فکری را کاهش می‌دهد.

۶– یادداشت وقایع روزانه: محققان دریافته‌اند که نوشتن خاطرات روزانه می تواند مغز را تحریک کند و منجر به تعادل بین ذهن، بدن و احساسات شود.

۷– دور ماندن از داروهای مخدر: از آنجا که داروهای مخدر می تواند منجر به آسیب‌های دائمی به مغز شود، دور ماندن از آنها با افزایش قابلیت در تفکر و قدرت توجه همراه است.

۸– کاهش استرس: استرس شغلی و استرس در روابط اجتماعی تأثیر منفی روی عملکرد مغز دارد. مهار کردن استرس و در میان گذاشتن مشکلات با خانواده و دوستان از این تأثیر منفی به میزان قابل توجهی می کاهد.

تکنیک کلیدی آموزش دفاع کودکان از خود



بازی های خشم آلود در کودکان طبیعی است و به نوعی با این کار خشم خود را تخلیه می کنند. اگر خطری وجود ندارد آنها را باید آزاد گذاشت. بسیاری نیز معتقدند نباید وسایل جنگ را برای کودک فراهم کرد. بیشترین چیزهایی که در ذهن کودک حک می شود تجارب شخصی آنهاست.

اگر کودک توسط همسالان خود مورد خشونت قرار گرفت نباید از او دفاع کرد و همچنین نباید به او یاد داد تو هم بزن بلکه باید دفاع کردن را به او آموخت. بدینگونه که والدین نقش کودک شروری را بازی می کنند و از کودک می خواهند که از خودش دفاع کند، بازی بیا تو چشای هم نگاه کنیم، قیافه مغرور گرفتن، بازی فرار از دست بچه های قلدر، به مربی گفتن، پاسخهای ساده و قاطع بدهد «خودتی»، «تو اینجور فکر کن»، «آینه،آینه» و سپس آنها را تشویق کنید. با کسانی دوست بشه که آن را مسخره نمی کنند.

در آموزش دفاع به کودک کافی است با کودک نقش بازی کنید که مثلا من می خواهم به تو حمله کنم و تو باید از خودت دفاع کنی یا فرار کنی یا اینکه بری و یک بزرگتر را درجریان بگذاری. کشتی گرفتن به کودک اعتماد به نفس می دهد می توانید هر از گاهی با او بدون خشونت کشتی بگیرید و اجازه دهید او شما را شکست دهد و دائما به کودک خود این پیغام را بدهید که زدن، گاز گرفتن و پرتاب کردن ممنوع است.

هیچگاه کودک را ترغیب نکنید که اگر کسی تو را زد تو نیز او را بزن. کودکانی که انرژی زیادی دارند و این انرژی را از طریق خشونت تخلیه می کنند را می توان با ورزشهای رزمی آشنا کرد. همانطور که گفته شد بازی دیگری که هم برای ایجاد اعتماد به نفس و هم برای دفاع کودک مهم است بازی بیا توی چشمای هم نگاه کنیم است. تحقیقات نشان می دهد کودکان قلدر معمولا قربانی خود را کسی انتخاب می کنند که سر به زیر است و نگاه چشم در چشم ندارد و این بازی می تواند کمک شایانی به کودکانی که قربانی بچه های قلدر می شوند بکند. بازی شطرنج و کارتهای بازی در صورتی که جنبه برد و باخت آن کمرنگ تر و هیجان حین بازی پر رنگ تر باشد و موضوع پول به وسط نیاید می تواند بسیار آموزنده باشد.

در بازی وقتی بازنده می شوید حتما به کودک بگویید «من خیلی تلاش کردم برنده بشم ولی تو تلاشت از من بیشتر بود بهت تبریک می گم» وقتی کودک در بازی بازنده می شود «من دوست ندارم وقتی در بازی بازنده می شی این رفتار را از خودت بروز بدی بهتر روحیه ورزشکاری داشته باشی و به من تبریک بگی.

https://t.me/joinchat



وقتی عاشق می شویم، تصادف های طبیعی زندگی را پشت حجابی از هدفمندی پنهان می کنیم. با دست خودمان سرنوشتی می بافیم تا از اضطراب ناشی از این واقعیت که هر حکمتی در زندگی مان هر چند اندک، ساخته ی خود ماست، نجات پیدا کنیم و فراموش می کنیم که طوماری و طبعا سرنوشت از پیش مقرر شده ای وجود ندارد.

(جستارهایی در باب عشق – آلن دوباتن –گلی امامی)

چرا افراد به دامن اهمال کاری پناه می برند؟



دلایل مختلفی وجود دارد که افراد را به دام اهمالکاری می اندازد. به برنامه هفته قبل خود نگاهی بیاندازید و ببینید که چه زمانهایی درگیر اهمالکاری شده اید یا از کاری لازم، اجتناب ورزیده اید. به دلایل اهمالکاری توجه کنید. شما به کدام دلیل به اهمالکاری روی آورده اید؟

۱- شکست هراسی:

گاهی اوقات افراد به این دلیل کار را به تعویق می اندازند، چون می ترسند که مبادا در آن کار شکست بخورند. اینگونه افراد اعتقاد دارند که بهتر آن است که دست به کاری نزنند که احتمال شکست در آن وجود دارد. از آنجایی که در هر کاری احتمال شکست وجود دارد، پس این افراد در بسیاری از کارها دچار تعلل می شوند.

۲- کمال گرایی:

برخی افراد برای انجام کارها، چنان معیارهای بلندپروازانه ای دارند که گاهی اوقات تصمیم می گیرند انجام کارها را تا مهیا شدن شرایط ایده آل به تعویق بیاندازند.

۳- مبالغه آمیز دیدن کارها:

فرد در انجام کارها و وقت گیر بودن آنها چنان راه مبالغه را می پیماید که اصلاً از خیر انجام آنها می گذرد. افرادی که دچار این مشکل هستند اکثراً در سختی تکالیف، اغراق می کنند.

۴- نگرانی درباره کارها:

بسیاری از افراد به جای انجام کارها، بیشتر نگران کارها هستند. بدین ترتیب، وقت شما بیشتر صرف نگرانی می شود تا اینکه کارها را به سرانجام برسانید.

۵- مسئولیت پذیری افراطی:

این قدر کار سر خودتان می ریزید که فرصت انجام آنها را پیدا نمی کنید یا اینکه به جای انجام کارها، سعی می کنید از درگیری بیشتر با کار طفره بروید.

منبع: کتاب "رهایی از نگرانی: ۱۰ راه حل ساده"
نوشته: کوین گیورکو، پاملا ویگارتز
ترجمه: دکتر حسن حمیدپور، دکتر زهرا اندوز
انتشارات: ارجمند

به جای شکایت درخواستت را بگو

این یکی از مهمترین تکنیک های زوج درمانی است. اگر به یک زن بگوییم اگر از شوهرت چیزی در دلت هست؛ بگو: چند ساعت حرف خواهد زد و انواع شکایات و انتقادات را خواهد گفت. اما اگر مجدداً به او بگوییم: شکایت نکن، فقط درخواستت رو بگو، خواهیم دید که فقط چند درخواست روشن و ساده بیشتر نخواهد داشت.

- ما از زوجین می خواهیم که در یک محیط مناسب بنشینند و ابتدا یکی از زوجین تمام درخواست های خود را بگوید و سپس بگوید حرفم تمام شد، حالا نظر خودت را درباره درخواست های من بگو.

- خیلی تکنیک ساده ای است. اما معجزه می کند. اگر زوجین بجای شکایت، انتقاد، سرزنش و تهدید که فقط باعث دوری از یکدیگر و کاهش عشق و علاقه می شود، فقط درخواست های روشن و کوتاه خود را بدون سرزنش و شکایت و زیر سئوال بردن شخصیت طرف مقابل ارائه دهند، بهتر خواهد بود.

مثال ارتباط نامناسب که فقط شکایت می کند:

- زن در آشپزخانه مشغول شستن ظرف هاست که مرد شروع می کند: خانم؛ گوش کن؛ تو اصلا برای من ارزش قائل نیستی، دائماً به من توهین می کنی، من می فهمم. دائما سر و صدا و غر می زنی، این یعنی اینکه من رو حساب نمی کنی، خسته شدم از دست. اگه بچه نداشتم ولت می کردم و خودمو نجات می دادم. اینم شد زندگی، صبح تا شب اعصاب خوردی، بسه دیگه، خستم کردی، خدا لعنت من کنه با این زن گرفتنم.

- دوستان عزیز دقت فرمایید اولاً درخواست مرد روشن نیست، و دوماً مدام با سرزنش و شکایت و تهدید، باعث می شود که زن نیز مقابله به مثل کند و شکایت و سرزنش و تهدید متقابل نماید و همچنین باعث کاهش علاقه زن به مرد می شود. یعنی مرد برای این سرو صدا راه انداخت که بگوید در خانه برای من ارزش قائل نیستی، اما نحوه شکایت و تهدید و سرزنش مرد باعث کاهش بیشتر ارزش او در نزد زن گردید.

مثال ارتباط مناسب: ارائه درخواست بجای شکایت و سرزنش:

- مرد در یک زمان و مکان مناسب می گوید: من یک سری خواسته از تو دارم، آنها را مطرح می کنم. وقتی که درخواست هایم تمام شد به تو می گویم حرفم تمام شد، آن وقت تو شروع به صحبت کن و نظرت را بگو: من دوست دارم وقتی به خانه می آیم به استقبالم بیایی و خوشحال ببینمت و وقتی من مطالعه می کنم یا اون سریال رو می بینم باهام شروع به حرف زدن نکنی و من را به حال خودم بگذاری.

- همچنین دوست دارم وقتی که تو از من کاری می خواهی با خواهش بگویی. مثلاً بگویی امکان دارد آشغالها را دم در بگذاری. یا خواهش می کنم بیا کمک بده و حالت دستوری و عتاب کردن نباشد. همچنین درخواست دارم که وقتی با من حرف می زنی صدایت را آرام بگیری و تند تند و بلند و تهدیدآمیز حرف نزنی و انگشت اشاره ات را به نشانه تهدید دائماً تکان ندهی. من در این مواقع احساس بدی می کنم. حرفم تمام شد، حالا نظرت را بگو.

منبع: مهارت های زناشویی - نوشته: مک کی؛ متیو و همکاران - ترجمه: علی محمد رحیمی



۱۰ مهارت مورد نیاز نیروی کار در سال ۲۰۲۰



مؤسسه تحقیقاتی دانشگاه فونیکس، موارد ده‌گانه زیر را به عنوان مهارت‌های مورد نیاز نیروی کار در سال ۲۰۲۰ معرفی نموده است:

- درک معانی:
توانایی درک عمیق مفاهیم و اهمیت موضوعات تبیین شده

- هوشمندی اجتماعی:
توانایی برقراری ارتباط مؤثر با دیگران به منظور جلب واکنش‌های مناسب و ایجاد تعامل مطلوب با آن‌ها

- تفکر نوین و انطباقی:
توانایی یافتن راه‌حل‌ها و پاسخ‌های بدیع و نوآورانه برای مسائل

- شایستگی میان‌فرهنگی:
قابلیت مؤثر عمل کردن در فرهنگ‌های مختلف

- تفکر محاسبه‌ای:
توانایی تبدیل و تفسیر حجم بزرگی از داده‌ها و استخراج مفهوم و تحلیل‌های لازم از آن‌ها

- سواد رسانه‌های نوین:
توانایی ارزیابی منتقدانه محتواهای رسانه‌های نوین و توان تولید محتوای مناسب و متقاعدکننده برای آن‌ها

- چند رشته‌ای بودن:
سواد و توانایی درک مفاهیم چندین رشته مختلف

- تفکر طراحی:
توانایی طراحی فرایندها و اقداماتی در راستای رسیدن به هدفی خاص

- مدیریت بار فکری:
توانایی فیلتر کردن و اولویت بندی مطالب در راستای حداکثرسازی کارکرد شناختی مغز

- تشریک مساعی مجازی:
توانایی کار بهره‌ورانه و همراه با شور و شوق در یک تیم مجازی

هویت موفق و هویت ناموفق



در واقعیت درمانی، هویت موفق و هویت ناموفق به شکل زیر از یکدیگر متمایز می شود:

ویژگی هایی که افراد با هویت موفق، از خود نشان می دهند عبارتند از:

- برای ارضا و برآورده سازی نیازهایشان احساس مسئولیت می کنند.
- قادر به تبادل عشق و محبت هستند.
- احساس ارزشمندی می کنند.
- به روابطشان با دیگران اهمیت می دهند.
- نیازهایشان را به گونه ای برآورده می کنند تا هزینه اش بر دوش دیگران نباشد یا مانعی برای ارضای نیاز دیگران نباشد.

ویژگی هایی که افراد با هویت ناموفق از خود نشان می دهند عبارتند از:

- خودشان را به عنوان افرادی منفور، ناخواستنی، و طرد شده می بینند.
- نمی توانند با دیگران صمیمیت و مشارکت داشته باشند.
- قادر به انجام و پیگیری تعهدات نیستند.
- عموماً افرادی ناامید و درمانده اند.

منبع: کتاب واقعیت درمانی
نوشته: دکتر ویلیام گلسر
ترجمه: دکتر علی صاحبی - انتشارات: سایه سخن

کاهش نور در زمستان، یکی از علل مهم ابتلا به افسردگی زمستانی

بر اساس مطالعات صورت گرفته، کاهش نور در زمستان یکی از علل مهم ابتلا به افسردگی زمستانی است که زنان بیش از مردان از آن رنج می‌برند.

نتایج تازه‌ترین تحقیقات نشان داده است، زنان بیش از مردان دچار افسردگی زمستانی می‌شوند.

محققان دانشگاه گلاسگو در اسکاتلند با بررسی بیش از ۱۵۰ هزار بزرگسال و تجزیه و تحلیل اطلاعات آنها دریافتند، زنان دو برابر بیش از مردان ممکن است افسردگی زمستانی را تجربه کنند.

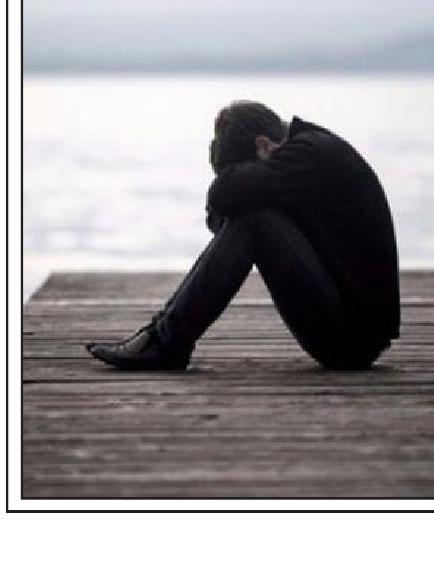
بر اساس این مطالعات صورت گرفته، کاهش نور در زمستان یکی از علل مهم ابتلا به افسردگی زمستانی است که زنان بیش از مردان از آن رنج می‌برند.

به گفته کارشناسان بهداشتی، علت افسردگی زمستانی به خاطر کاهش نور و دما در این فصل است؛ میزان نور می‌تواند فعالیت‌های برخی مواد شیمیایی خاص مانند ملاتونین (melatonin) و سروتونین (serotonin) را در مغز تحت تأثیر قرار دهد؛ همین امر به نوبه خود می‌تواند بر روی خلق و خوی افراد تأثیر بگذارد.

مؤسسه ملی بهداشت، درمان و بهبود پزشکی آمریکا (NICE) شواهد مربوط به نور درمانی برای بهبود افسردگی زمستانی را مورد بررسی قرار داده و آن را به طور کلی یک روش غیر قطعی معرفی کرده است، اما ممکن است به عنوان دارو نما بتوان از آن استفاده کرد و از مزایای آن نیز بهره برد.

بر اساس داده‌های ارائه شده از سوی این سازمان، حداقل ۱۰ میلیون آمریکایی از افسردگی زمستانی در فصل سرما رنج می‌برند.

یافته‌های به دست آمده از این مطالعه در مجله اختلالات عاطفی آمریکا منتشر شده است.



چه کسی بیمار «فضای مجازی» است؟



«بیماری های مجازی» معضل غیر قابل انکاری است که انسان امروز به آن دچار شده است. بیماری که این روزها در فضای مجازی با شکل و شمایل متفاوت خودش را در رفتار کاربران بروز می دهد. میگنا: رسانه و فضای مجازی، در کنار همه خوبی‌ها و بدی‌هایش، گاهی بلای جان ما می‌شود و بیشتر از آنکه به درد ما بخورد، دردی به ما اضافه می‌کند تا در عصر فنّاوری، به بیماری‌های رسانه‌ای دچار شویم. بیماری‌هایی که در اثر کنجکاوی آدم‌ها و استفاده افراطی و نادرست از آن پدید می‌آیند.

ایران هم از کشورهایی است که در زمان کوتاهی با حجم انبوهی از این ابزارهای تکنولوژی روبه‌رو شد و در نتیجه به همان میزان با مشکلات پیروی آن هم مواجه شد.

اعتیاد مجازی؛ بدون وای فای هرگز!

شایع‌ترین بیماری عصر مدرن که شاید بیشترمان به آن مبتلا باشیم، اعتیاد به اینترنت است و همین اعتیاد و نیاز مبرم به وای فای گاهی به سوژه خنده تبدیل می‌شود. هنگامی که صحبت از اینترنت باشد، این اعتیاد می‌تواند چیزهای زیادی پیدا شود. از تایپ کردن گرفته تا بازدید از اتاق‌های گپ‌زنی، خرید آنلاین یا بازی‌های چند نفره. اعتیاد به اینترنت آن‌قدر جدی و واقعی است که مراکز بازپروری برای آن به وجود آمده است. به طور مثال، مراکز بازپروری معتادان اینترنت در کره جنوبی با استفاده از مدرسان نظامی به معتادان تمرین‌های بدنی نسبتاً شدید شبیه تمرین‌های نظامی می‌دهند. نشست‌های گروهی با مشاور برگزار می‌کنند و کارگاه‌های روان‌درمانی برای معتادان ترتیب می‌دهند. کره جنوبی به لحاظ سرعت اینترنت از رتبه‌های اول جهان به حساب می‌آید و برای همین هم، اعتیاد به اینترنت در کره جنوبی در سال‌های اخیر به صورت یک مسئله ملی درآمده و میزان مرگ و میر ناشی از خستگی و از پا افتادگی پس از انجام بازی‌های آنلاین روز به روز در حال افزایش است. خوشبختانه سرعت کم اینترنت در ایران، اجازه استفاده از خیلی از خدمات آن و به تبع صدمات ناشی از آن را از ما می گیرد!

بی‌اخلاقی رسانه‌ای و تأخر فرهنگی

یکی از آزاردهنده‌ترین بیماری‌های مجازی که نه تنها خودمان را اذیت می‌کند، ترکش‌های آن به کاربران دیگر کشورها هم اصابت کرده، مسئله آدم‌هایی است که به خاطر شخصیت مجازی‌شان خود را مجاز می‌دانند که به هر صفحه‌ای سر بزنند و برای هر شخصیتی از فوتبالیست گرفته تا هنرمند تا حتی دختر رئیس‌جمهور آمریکا نظر بگذارند، دعوا کنند و ناسزا بگویند و حتی با او شوخی کنند و این قضیه بیشتر حالت سرگرمی بگیرد. چیزی که باعث شده بسیاری از چهره‌های جهانی برای روبه‌رو نشدن با حجم این نظرات، صفحات اینستاگرام خود را شخص کنند. حالا گذشته از اینکه چرا این کار انجام می‌شود، باید پرسید که چطور و چرا وقت خود را برای جستجوی این افراد و بعد به خاک و خون کشیدن صفحات آن ها صرف می کنیم.

دکتر «امان‌الله قرایی» جامعه شناس و استاد دانشگاه درباره این اثرات سوءرسانه و مواجهه نادرست با آن در ایران می‌گوید: «اصولاً وقتی که تکنولوژی وارد می‌شود، یک مقدار نابه‌هنجاری‌های رفتاری، فکری و روحی به وجود می‌آید. ذات فنّاوری این‌گونه است. ابتدای قرن ۱۸ هم انقلاب صنعتی فکر، رفتار، فرهنگ و حتی دین و عقاید را عوض و تضعیف کرد. در ایران هم به همین شکل است و اگر مدتی بگذرد و مردم به آن انس پیدا کنند، این مشکلات کمتر می‌شود. در آمریکا و اروپا هم چنین مواجهه احساسی با این ابزار وجود داشته با این تفاوت که ما در ایران با پدیده‌ای به نام «تأخر فرهنگی» روبه‌رو هستیم. تأخر فرهنگی فاصله بین ابزار فرهنگی و رفتار مناسب افراد با آن پدیده است. تهیه ابزار تکنولوژیک طولی نمی‌کشد؛ اما آموزش رفتار صحیح با آن سال‌ها ممکن است به درازا بکشد. مرتباً صنعت در حال تغییر است و انسان هم در برابر آن کنجکاو است و همین به یک بیماری تبدیل شده است و از جایی که اوقات فراغت در ایران زیاد است و این اوقات فراغت هم پر نمی‌شود، افراد مجبور هستند وقت خود را با این صنعت پر کنند. اگر در جامعه‌ای بیکاری هم وجود داشته باشد، این امر مزید بر علت می‌شود و استفاده افراطی از فضای مجازی را بیشتر می‌کند.»

به خاطر یک مشت لایک؛ بیماری دیده شدن

این بیماری آن قدر جدی است که برخی به خاطر آن تا پای مرگ هم رفته‌اند. قصه اینجاست که از یک طرف عده‌ای برای لایک گرفتن، از جزئی‌ترین و خصوصی‌ترین وجوه زندگیشان عکس می‌گیرند و با دیگران به اشتراک می‌گذارند و منتظر شمردن لایک‌های آن می‌شوند و برای همین است که با دخترها و پسرهایی مواجه می‌شویم که با آرایش‌ها و ژست‌های مختلف چشم در دوربین سلفی گوشی می‌دوزند و گاهی با مخاطب خود هم ارتباط می گیرند و حتی معروف هم می‌شوند و برای همین بیماری است که در مواقع بحران‌ها به جای کمک کردن، دکمه ضبط فیلم موبایلمان را فشار می‌دهیم و منتظر وقوع فاجعه می‌شویم و بالاخره به خاطر همین بیماری گاهی برای گرفتن یک سلفی ترسناک و رکورد زدن، جانمان را هم به خطر می‌اندازیم!

بیماری لودگی و فیلمسازی به سبک اینستاگرام

یکی از مواردی که ما ایرانی‌ها در آن استعداد ویژه‌ای داریم، طنازی و لطیفه‌گویی و لطیفه سازی است؛ اما گاهی این استعداد از حد فراتر می‌رود و به مسخره کردن می‌رسد. کافی است کمی صفحه اینستاگرام خود را بالا و پایین کنید تا با حجم انبوه پسران روسری به سر مواجه شوید که خود به کارگردان‌هایی تبدیل شده اند که از هر موضوعی سوژه خنده می‌سازند و سریع آن را تبدیل به فیلم کوتاه می کنند و اتفاقاً با استقبال هم مواجه می‌شوند. این امر در ابتدا شاید جالب به نظر برسد؛ اما همین سرگرمی جالب وقتی ادامه پیدا می کند، به لودگی می‌رسد و باعث مرزشکنی و عرف‌شکنی‌های زیادی می‌شود.

فضای مجازی آدمها را سطحی می کند

بزرگ ترین آسیبی که سوغات رسانه و فضای مجازی به حساب می‌آید، سطحی شدن آدم‌هاست. فضای مجازی کم‌کم از ما نسلی می‌سازد که حوصله ندارد کتاب به دست بگیرد و ساعت‌ها محو صفحات کاغذی آن بشود و یا اینکه ساعت‌ها درباره یک موضوع علمی حرف بزند، بخواند و آن را دنبال کند و برای همین، روز به روز تیراژ کتاب‌ها پایین می‌آید و افراد کمتر حوصله مطالعه عمیق دارند و ترجیح می‌دهند ساعت‌ها وقت خود را بین صفحات مختلف شبکه‌های مجازی سپری کنند تا اینکه نصف همان زمان را به کتاب خواندن یا حتی شنیدن یک کنفرانس علمی بگذرانند. فضای مجازی به ندرت مطالعه عمیق را از بین می برد و در عوض مطالعه سطحی انبوه را جایگزین می کند!

منبع: آکادمی درمان شناختی رفتاری

احساس فقر، خشونت پنهان و نارضایتی اجتماعی

دکتر رضا تسلیمی: احساس فقر و محرومیت نسبی پدیده هایی اجتماعی هستند که امروزه بسیاری از اعضای طبقات متوسط و پایین اجتماعی آن را تجربه می کنند. واقعیت آن است که اکنون در کنار فقر مطلق یا محرومیت مطلق که زندگی تعداد قابل توجهی از افراد را تحت تأثیر قرار داده است باید از رواج فقر نسبی و دلایل و نتایج آن صحبت کرد. در هنگام رواج محرومیت نسبی، اکثریت افراد جامعه با مقایسه موقعیت اقتصادی و اجتماعی خویش با دیگران و از جمله ثروتمندان احساس فقر و محرومیت می کنند. آنها در رقابتی اجتماعی شرکت دارند که هدف از آن شبیه سازی سبک زندگی خود به شیوه زندگی ثروتمندان و تظاهر به برخورداری از چنین زندگی ای است. در این شرایط، مصرف نمایشی و مظاهر مختلف آن با وضوح هر چه بیشتر به چشم می آیند. مال ها و مراکز خرید متنوع، کالاهای مصرفی گوناگون و برندهای متعدد تمام شهر را پر می کنند به نحوی که خرید کالاهای برند از مال های پر زرق و برق به یکی از مهمترین نیازهای اکثر افراد جامعه تبدیل می شود. اکنون، بسیاری از اعضای طبقه بالای اجتماعی به منظور نمایش سبک زندگی خویش و متمایز ساختن خود از دیگران در تلاش هستند و فضای مجازی و شبکه های مختلف اجتماعی نیز در این راه به کمک آنها آمده اند به نحوی که اعضای دیگر طبقات اجتماعی در هر گوشه ی شهر می توانند شاهد نمایش سبک زندگی تجملاتی آنها باشند. همچنین برخی از اعضای طبقه متوسط نیز که هدفی جز تظاهر به برخورداری از سبک زندگی تجملاتی و تقلید از آن ندارند فضای مجازی را به نمایشگاهی از سبک زندگی متظاهرانه خویش تبدیل کرده اند. در نتیجه ی این وضعیت، عموم افراد جامعه با مشاهده مظاهر زندگی ثروتمندان و مقلدان آنها در فضای واقعی یا مجازی خود را فقیر و محروم می دادند و بر نارضایتی آنها از شرایط اجتماعی افزوده می شود. آنها با مقایسه موقعیت خویش با ثروتمندان و عدم توانایی به منظور رقابت در چنین کارزار نابرابری احساس فقر و محرومیت می کنند. هنگامی که هدف از مصرف انبوه کالاهای مختلف نمایش و به رخ کشیدن سبک زندگی متمایز خویش باشد تعداد فراوانی از افراد با احساس فقر و محرومیت مواجه خواهند شد. آنها خشونتی را تجربه می کنند که در نتیجه ی ناتوانی در خرید کالاهای مختلف و احساس محرومیت بر آنها روا داشته می شود. بنابراین در تحلیل علل نارضایتی اجتماعی، باید در کنار عواملی چون فقر مطلق، بیکاری و فساد، بر فقر و محرومیت نسبی تأکید کرد و به جای دامن زدن به شرایط اجتماعی- فرهنگی ایجاد آن از گسترش چنین محرومیتی جلوگیری نمود.

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
نسیم جنوب
nasimjonoub.com
صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰-۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



بهترین مسیر برای رسیدن به توسعه،

سرعت بخشیدن به اصلاحات ساختاری

دکتر عباس حاتمی: شکی نیست که کشور نیاز به دولت و حاکمیت ملی دارد. از طرفی اختلاس و ناکارآمدی نیز وجود دارد، در این میان مردم چکار کنند؟ مردم ۳ نوع عکس العمل نسبت به حکومت و جامعه خواهند داشت.

۱-وضع موجود را بپذیرند و مطیع شرایط فعلی باشند و نسبت به اختلاس، فقر، بیکاری، عقب ماندگی، بی عدالتی و تبعیض اعتراض نکنند.

که این وضعیت مملکت را به جنگ، تحریم و فلاکت می برد.

۲- شورش و قیام کنند و تغییرات ناگهانی ایجاد نمایند.

مردم می دانند که در ۲۰۰ سال گذشته انقلابهای توأم با خشونت پر هزینه بوده است.

انقلاب فرانسه، روسیه، الجزایر، ویتنام، کوبا و حتی انقلابهای رنگی در اروپای شرقی و بهار عربی در خاورمیانه اوضاع آن کشورها را بدتر کرده است.

۳- با الگو قرار دادن اصلاحات ساختاری دمکراتیک ۵۰۰ سال اخیر در اروپا، ژاپن، کره جنوبی و... اصلاحات دمکراتیک را با جدیت و سرعت بیشتر پیگیری نمایند، اگر مسیر اصلاحات بسته شود تنفر و شورش حادث می شود.

- برای عمق بخشیدن به اصلاحات:

الف- با تشکیل گروهها و کانالهای آموزشی اطلاعات و آگاهی اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و سیاسی خود را بالا ببرند.

ب- متشکل شدن در احزاب، NGOها، اصناف و هیئت های مذهبی و پیگیری جمعی مطالبات.

ج- حمایت از فعالین اصلاح طلب شجاع، صادق، سیاست ورز و توانمند.

- با نظارت دائمی و نقد عملکرد اصلاح طلبان، به اصلاحات سرعت و عمق بیشتری داده شود.

هیچگاه سنت گرایان و دگم اندیشان تحول و نوآوری بوجود نیاوردند و نخواهند آورد!

اصلاح طلبان پیگیر اجرای اصل ۵۹ قانون اساسی برای رفراندم در مسایل ملی هستند. در هر انتخابات بطور متوسط ۷۰ درصد اعضای لیست کاندیداهای اصلاح طلب از چهره های جوان و نواندیش باشد.

افتتاح و اجراء ۷۰۰ میلیارد تومان پروژه در استان بوشهر

استاندار بوشهر گفت: در ایام دهه فجر بیش از ۷۰۰ میلیارد تومان پروژه عمرانی و تولیدی در استان بوشهر افتتاح و یا عملیاتی اجرایی آن آغاز شد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی استانداری بوشهر، عبدالکریم گراوند در نشست شورای اداری استان بوشهر با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با تأکید بر توجه به رفع مشکلات مردم با ارائه راهکارهای لازم تصریح کرد: رفع مشکلات مردم و تحقق مطالبات آنان مورد توجه مسئولان دستگاه‌های اجرایی قرار بگیرد.

گراوند با بیان اینکه در دهه فجر طرح‌های مهم تولیدی و عمرانی در نقاط مختلف استان بوشهر افتتاح می‌شود تصریح کرد: در ایام دهه فجر بیش از ۷۰۰ میلیارد تومان پروژه عمرانی و تولیدی در استان بوشهر افتتاح و یا عملیاتی اجرایی آن آغاز می‌شود.

وی، بیان کرد: علاوه بر این، پروژه‌های مهمی در بخش صنعت و تولید آماده بهره برداری است که ان‌شالله بعد از دهه مبارک فجر افتتاح می‌شود.

استاندار بوشهر با اشاره به استقرار میز خدمت در دستگاه‌های اجرایی استان بوشهر گفت: میز خدمات در همه ادارات استان بوشهر فعال است ولی نباید ارتباط مدیران با مردم در تحقق مطالبات و خواسته‌های آنان کم رنگ شود که در این راستا ملاقات عمومی مدیران با مردم مورد تأکید است.

گراوند با بیان اینکه خدمات ارزنده‌ای در بخش‌های مختلف ارائه شده است افزود: در حوزه صنعت و تولید، ۵۵ واحد تولیدی و صنعتی که قبل از سال ۱۳۹۲ تعطیل شده بود با ارائه راهکارها و تسهیلات لازم فعال شدند.

وی با اشاره به اجرای طرح گازرسانی به روستاهای استان بوشهر خاطرنشان کرد: قبل از دولت یازدهم ۱۰۳ روستای استان بوشهر دارای شبکه گازرسانی بود که اکنون تعداد روستاهای دارای شبکه گاز به ۳۸۶ روستا افزایش یافته است.



استاندار بوشهر با اشاره به سرمایه گذاری ۱۷۳,۴ میلیارد تومانی در عرصه اجرای طرح‌های گازرسانی روستایی بیان کرد: قبل از سال ۹۲ حدود ۱۶,۹ میلیارد تومان در طرح گازرسانی روستایی در استان بوشهر هزینه شد که اکنون این رقم به ۱۷۳,۴ میلیارد تومان افزایش یافته است.

گراوند از افزایش تخت‌های بیمارستانی در استان بوشهر خبر داد و تصریح کرد: سال ۱۳۹۲ تخت‌های بیمارستانی استان بوشهر ۹۰۰ تخت بود که با افتتاح و طرح‌های در دست اجرا به بیش از ۱۵۱۳ تخت افزایش یافته است.

وی، با اشاره به افزایش بزرگراه در استان بوشهر بیان کرد: طول بزرگراه‌ها در استان بوشهر ۵۶۰ کیلومتر بود که به ۶۷۸ کیلومتر و راه اصلی از ۵۶۸ کیلومتر به ۶۰۸ کیلومتر و راه روستایی از ۲۱۶۵ کیلومتر به ۲۳۴۵ کیلومتر افزایش یافته است.

تالاب جنگل حرا نایبند در معرض تخریب

ناصر بوهندی: در کرانه غربی روستای بیدخون و در شرق شهر عسلویه جنگل بسیار زیبا و وسیع حرا قرار دارد. گونه جنگلی حرا (مانگرو) از ویژگی های اکوسیستم سواحل جنوبی ایران است.

این درختان اندازه های ۳ تا ۶ متری با شاخ و برگ سبز روشن دارند و هنگام مد آب دریا تا گلوگاه در آب فرو می روند.

درختان حرا در حقیقت یک تصفیه خانه آب شیرین کن طبیعی هستند.

جنگل حرا به دلیل مساعد بودن شرایط اکولوژی، زیستگاهی امن برای پرندگان مهاجر از مناطق گرمسیری است.



اما متاسفانه این گنج زیبا در شهرستان عسلویه مورد غفلت واقع شده و از حمله های تخریب صنعت و انسان در امان نمانده است ورود گردشگران با خودروهای سنگین و سبک و اتوبوس و مینی بوس در محدوده حساس جنگل، ورود پساب فازهای مختلف گازی پارس جنوبی و اخیرا احداث کانال هدایت آبهای سطحی و آب چشمه گوگرد بیدخون توسط سازمان منطقه ویژه از جمله تهدیدات فعلی علیه اکوسیستم حساس است.

امیدواریم به مناسبت روز جهانی تالاب ها، قدر این نعمت زیبا و این جنگل بسیار مهم که نقش حیاتی در تصفیه هوا و تغذیه ماهیان و افزایش جمعیت گونه های دریایی خلیج نایبند دارد را حفظ کنیم.

دیدار با پیشکسوت تئاتر، بازیگری سینما و تلویزیون غلامحسین بارونی



به گزارش روابط عمومی حوزه هنری استان بوشهر، ریاست و کارمندان حوزه هنری استان بوشهر به دیدار غلامحسین بارونی یکی از پیشکسوتان عرصه فرهنگ و هنر رفتند.

در این دیدار صمیمی پارسایی فر ضمن آرزوی سلامتی از خداوند منان برای این هنرمند پیشکسوت بوشهری؛ افزودند: با توجه به نزدیک شدن به چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی؛ حوزه هنری انقلاب اسلامی آمادگی و توانایی دارد تمامی آثار، اسناد و الواح تقدیر به دست آمده توسط این پیشکسوت هنرمند را در قالب کتاب به چاپ رساند.

قابل توجه اینکه حاج غلامحسین بارونی بازیگری را از سنین نوجوانی در تعزیه محله شکری و به معین البکایی استاد ایرج صغیری شروع نمود. وی بیش از نیم قرن است که در این حرفه حضور درخشان دارد. همچنین او در آثاری همچون فیلم سینمایی «مرد پنجم»، فیلم تلویزیونی «مروا» به ایفای نقش پرداخته است.

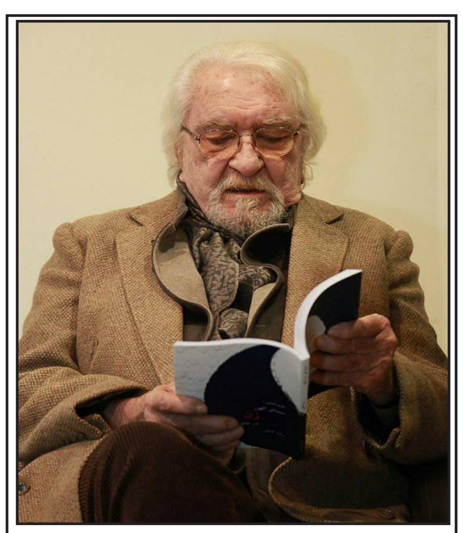
کویر ماسه ای استان بوشهر

بخش بردخون در جنوب استان بوشهر و در شهرستان دیّر واقع شده است، با توجه به اقلیم گرم و خشک استان و وزش بادهای غالب با جهت شمال غرب، جنوب شرق که متأثر از تغییرات دمایی شبه جزیزه عربستان با فلات داخلی ایران می باشد شرایط برای ایجاد فرایند فرسایش بادی در این منطقه فراهم است.

بخصوص جریان رودخانه عظیم مند در نوار شمالی این بخش و انباشته شدن سالانه رسوبات تکامل نیافته آبرفتی در حاشیه این رودخانه در فصول طغیانی باعث شده است پس از گذشت فصل بارندگی و شروع ماههای خشک این رسوبات با جریانات باد حمل شده و پس از حرکت توسط باد در حد فاصل غرب روستای کناری تا ضلع شرقی بردخون کهنه این رسوبات نهشته شده و یکی از عوارض طبیعی گسترده در نواری با طول تقریبی ۲۰ کیلومتر و عرض تقریبی ۵/۳ کیلومتر مجموعاً در گستره ای با وسعت تقریبی ۷۰۰۰ هکتار در اشکال تل ماسه ای یا تپه های ماسه ای خودنمایی کند.

برخلاف مناطق بیابانی و کویری که انباشته شدن رسوبات بادی نمایشگر چهره بیابان و محیط های بیابانی می باشد، در این منطقه وجود تپه های ماسه ای در کنار مزارع سرسبز گوجه فرنگی و ارتفاعات سر به فلک کشیده امیر دیوان جذابیت خاصی به آن داده است و شاهد تنوع عوارض طبیعی در منطقه هستیم.

(برگرفته از کانال ژئو توریسم)



روی‌هم‌رفته بهتر خواهد شد

- شما در مجموع به آیندهٔ ایران و انسان ایرانی امیدوارید؟

- بله، من فکر می‌کنم آیندهٔ ما روی هم رفته بهتر خواهد شد. آگاهی مردم ایران خیلی افزایش یافته است و آن‌ها خواستار رعایت حقوق خودشان هستند. به علاوه باید بگویم من به زنان ایرانی اعتقاد عجیبی دارم و نقش آنان را در تکوین آیندهٔ ایران بسیار مؤثر می‌بینم. ایران سرزمینی است با فرهنگی بزرگ، فرهنگی که طی قرون دوام یافته و خود را مدام احیا کرده، و راز بقایش هم در همین تداوم و بازآفرینی نهفته است. آری، من به آیندهٔ ایران امیدوارم.

گفت‌وگو هومان دوراندیش با داریوش شایگان
مجله‌ی صدا، شماره‌ی ۲۲ (شنبه ۱۱ بهمن ۱۳۹۳)

هرگز اینگونه نبوده

هرگز خشونت، گرسنگی، طرد از جامعه، نابرابری، ستم اقتصادی در تاریخ بشریت و کره زمین تا این اندازه دامن گیر انسان نبوده است. به جای نغمه سر دادن از کامیابی آرمان دموکراسی لیبرال و بازار کاپیتالیستی در شادکامی پایان تاریخ، به جای برگزاری جشن پایان ایدئولوژِی و پایان گفتمان های رهایی بخش، هرگز نباید این نکته بدیهی عالم گیر را که از رنج های منحصر به فرد بی شماری فراهم آمده اند، از نظر دور داریم که هرگز اینقدر زن و مرد و کودک بر روی زمین به بردگی کشیده نشده اند، گرسنه نمانده و نابود نشده اند.

(بخشی از سخنرانی ژاک دریدا در مراسم تدفین لویی آلتوسر)





پاکسازی جنگل حرای عسلویه در روز جهانی تالابها

به گزارش روابط عمومی مؤسسه سیراف پارس، بمناسبت روز جهاتی تالابها، به همت گروه عکاسی پیکسل متشکل از عکاسانی طبیعت دوست از شهرستانهای عسلویه، کنگان و پارسیان و با همکاری مؤسسه سیراف پارس، محدوده جنگل حرا در شهرستان عسلویه مورد پاکسازی قرارگرفت. آنچه در این عمل زیبا مورد تأسف قرارگرفت، زباله ریزی توسط گردشگران و خانواده هایی است که در این طبیعت خدادادی، ساعاتی را دور از زندگی ماشینی سپری می نمایند و دردناک تر آنکه تعدادی پرنده ها و آبزیان دریایی بخاطر استفاده از این ضایعات پلاستیکی تلف گردیده اند. پیشنهاد می شود صنعت موجود در منطقه خصوصاخ دمات شهری منطقه ویژه، به صورت دوره ای، نسبت به پاکسازی روزانه این مجموعه زیبا و ماندگار برنامه ریزی نمایند.

این مادر چه می کشد!

ذهن ها از شکم ها گرسنه ترند

پرستا حیدری

نمی دانم چرا و برای چه، همیشه نگاهِ من به بخش زنان نسبت به بقیه ی بخش ها متفاوت بوده و هست! شاید به خاطر اینکه تنها جایی است که مرا بیش از هر چیزی به یاد آغاز می اندازد! آغاز زندگی! تولد! و یا شاید دلیلش این باشد که کمتر پیش می آید در مواجهه با زنانی که دردشان را روی تخت ها آه می کشند، از واژه ی «بیمار» استفاده کنیم؛ بگذریم.

بخش زنان و زایمان یک قسمت جراحی داشت که مخصوص عمل های جراحی زنانه بود و یک زایشگاه داشتیم که زنان زائو می آمدند و ما موظف بودیم از آن ها شرح حال بگیریم. پس از آنکه صحنه ی زایمان و همینطور لحظه ی هیجان انگیز تولد نوزاد را چشم هایمان پشت سر می گذاشت، با گل و شیرینی، همراهان زن زائو را بدرقه می کردیم و به جز در موارد خیلی خاص، همه چیز به خوبی و خوشی تمام می شد.

ولی در درمانگاه اوضاع کمی فرق داشت. سوژه یا مراقبتِ بارداری بود یا ناباروری یا مشکلاتی دیگر. روزی با هم گروهی ها و اینترن ها در درمانگاه نشسته بودیم. زنی روستایی آمد. چهل و پنج ساله بود. با چادری کهنه و رنگ باخته مثل موهای خاکستری اش، چهره ای شکسته و خسته داشت و چشم هایی که نگرانی می جست و دستی که تا دیدمش این جمله در مغزم شکل گرفت که :«گویی رنج در رگ هایش جریان دارد».

به سختی و با خجالت و بعد از انداختن نگاهی خجل به ما دانشجوها، بیماری اش را مطرح کرد و رفت در اتاق معاینه. (در اتاق معاینه زنان ، فقط دانشجوهای دختر می توانستند بیایند.)

آنجا به استادمان گفت چهار دختر دارد و اخیرا سه سقط ناخواسته و پشت سر هم در دو ماهه ی اول بارداری داشته. همسرش بهانه ی پسر دارد و گفته اگر پسر نیاورد او را طلاق می دهد... «خانم دکتر پول ندارم از روش های باروری جدید استفاده کنم، سه سقط ناخواسته داشتم، نمی دانم پسر بودند یا نه... خسته شده ام... کاش این زندگی تمام می شد... »

بغض کرده بود و چروک ها، پیشانی اش را نوازش می کردند. استاد نگاهش کرد و گفت: «اگر بعدی هم دختر بود چه؟ بعدتری هم دختر بود چه؟ دخترهایی که اینجا تو را معاینه کردند از پسرهایی که بیرون از اتاق نشسته اند چه کمتر داشتند؟»

درد از آن لحظه ها می چکید و من مات و مبهوت مانده بودم که این مادر چه می کشد از دردِ بی انتهای درون و جهل بی انتهای بیرون! چشم هایم را بستم و بدون اینکه از جایم تکان بخورم از اتاق معاینه بیرون رفتم. از درمانگاه هم. شهر را دیدم. مردم را دیدم و غرق شدم در این روزهای خودمان. این روزها ذهن ها از شکم ها گرسنه ترند، مغزها از معده ها خالی تر، برای همین هست که کتابفروشی ها روز به روز تهی تر و رستوران ها روز به روز شلوغ تر می شوند.

تا قبل از دیدن این بیمار، بیمار فکری یا جسمی، با خودم فکر می کردم مدت هاست عصر مردسالاری و داشتن تفکرات اینچنینی نسبت به برتری جنسیت در حال منسوخ شدن است. نمی دانم. شاید راه زیادی مانده. راه حل چیست، باید به بهانه ی تفاوت در سلیقه ها و دغدغه ها این درد مهلک انقراض نسل کتاب خوان ها و روشنفکران و متجددین را به جان بخریم و شاهد زوال روز به روز عقل باشیم. راستی شاید با این شرایط که پیش می رود، روزی از فرط مدرنیته افول کنیم و برگردیم به همان تفکراتی که هم اکنون پیدا کردنشان یک در میلیون در موقعیت های اینچنینی برایمان جالب و تعجب آور است.

